

نقش رسانه‌های پایه و نوین بیگانه و فراملی در تضعیف امنیت ملی

دکتر عبدالرحمن کشوری^۱

حسین عباسی^۲

چکیده

در دنیای امروز رسانه‌های فراملی تأثیر فراوانی در فرسایش و براندازی نرم نظام سیاسی و تضعیف امنیت و دفاع ملی هر کشوری دارند. مواجه کردن نظام‌های سیاسی دولت‌ها با چالش مشروعیت و مقبولیت در افکار عمومی، مورد تردید قرار دادن کارآمدی آنها، بی‌اعتماد کردن مردم به مسئولان و رسانه‌های خودی و اختلال در نظام ارتباطی دولت و ملت بخشی از تأثیر فوق‌العاده رسانه‌های فراملی در تضعیف و براندازی نرم نظام سیاسی و تضعیف امنیت و دفاع ملی کشورهاست. اگر به انقلاب‌های نرم و مخملی سال‌های اخیر به دقت بنگریم، تأثیر بسیار زیاد رسانه‌های فراملی را در انقلاب‌های مذکور مشاهده می‌کنیم. رسانه‌ها در حوزه‌های مختلف، کارکردهای متفاوت دارند. با استفاده از رسانه‌ها می‌توان فرهنگ عمومی و فرهنگ دفاع همه‌جانبه را پایه‌ریزی کرد و گسترش داد یا افکار عمومی را در ارتباط با موضوع خاصی تبیین کرد. رسانه‌ها با برنامه‌های استراتژیک و بلندمدت، کارکردی نوین با عنوان «تولید رضایت» برای خود ایجاد می‌کنند. رسانه‌ها می‌توانند حقایق را وارونه نمایش دهند، کتمان کنند، تحریف یا سانسور نمایند یا با انعکاس برخی اخبار واقعی و غیرواقعی به تهییج و تحریک افکار عمومی بپردازند. ابرقدرت‌ها به منظور حفظ منافع ملی، از ظرفیت رسانه‌های فراملی خود (اعم از مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون، تلفن ماهواره‌ای، اینترنت، اصول تبلیغات و...) برای از بین بردن یا تضعیف نظام سیاسی و امنیت و دفاع ملی کشور هدف در جنگ رسانه‌ای بهره می‌گیرند.

در این مقاله نگارنده در پی آن است که نقش رسانه‌های فراملی را در فرسایش و تضعیف نظام‌های سیاسی و امنیت و دفاع ملی کشورها اثبات کند. برای توضیح این مطلب به کلیات و تعاریفی در ارتباط با رسانه‌های فراملی، نظام سیاسی، امنیت ملی و دفاع ملی پرداخته می‌شود؛ سپس براندازی نرم نظام سیاسی و فرسایش و تضعیف امنیت ملی و دفاع ملی کشورها توسط رسانه‌های فراملی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

کلیدواژگان

نظام سیاسی، امنیت ملی، دفاع ملی و دفاع همه‌جانبه، فتنه، رسانه‌های فراملی، ماهواره، اینترنت، آزادی بیان، اطلاعات، جنگ روانی و تبلیغاتی، شبکه‌سازی، جنگ رسانه‌ای

۱. استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

۲. مربی و پژوهشگر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)، گروه منابع انسانی و دفاعی

مقدمه

رسانه‌ها از وقتی فعالیت خود را شروع و سیر تکاملی پیشرفت را طی کردند همواره از مباحث مهم و پراهمیت در جوامع بوده‌اند. آنها اوایل پیدایش فقط به منظور اطلاع‌رسانی در فضایی محدود به کار می‌رفتند و سطح پوشش آنها منحصر به منطقه‌ای خاص بود. اما از همان ابتدا فعالیت‌های فزاینده‌ای داشتند و به موازات ترقی و تکامل تکنولوژی، به خصوص پیشرفت تکنولوژی‌هایی در زمینه الکترونیک و پیدایش کامپیوتر و ماهواره‌ها، پیشرفت درخور توجهی کردند. آنها توانایی تأثیرگذاری در جوامع انسانی را به حدی رسانده‌اند که فضای جدیدی را به طور مجازی ایجاد کرده است. رسانه‌ها با کمک تکنولوژی‌های نوین دیگر به محدوده خاصی منحصر نشدند. شروع فعالیت رسانه‌ای مانند رادیو اولین گام در راستای شکستن حصرها بود. با ورود رسانه‌های فراملی پیشرفته‌ای مانند ماهواره‌های صوتی و تصویری و اینترنت عملاً دیگر هیچ حصری برای رسانه‌ها متصور نیست.

رسانه‌های فراملی به راحتی وارد کشورها می‌شوند؛ در حالی که ورود رسانه‌های فراملی به درون کشورها منافی حق حاکمیت و قدرت ملی کشورهاست؛ زیرا حاکمیت کشورها هیچ قدرتی را در کنار خود برنمی‌تابد. به عبارت دیگر درنوردیدن مرزهای سیاسی کشورها توسط رسانه‌های فراملی حق حاکمیت کشورها را نقض می‌کند و باعث فرسایش و تضعیف امنیت ملی و دفاع ملی کشورها می‌شود. رسانه‌هایی مانند ماهواره و اینترنت با تأثیرگذاری عمیقی که بر جوامع دارند، اساساً امر حاکمیت را برای نظام‌های سیاسی با چالش مواجه می‌کنند و گاهی آن را از بین می‌برند. البته باید اذعان کرد حاکمیت در عصر کنونی دیگر آن معنا و مفهوم اولیه خود را ندارد و از ابتدای قرن بیستم دچار فرسایش‌هایی شده است.

در فرسایش حاکمیت ملی عوامل متعددی نقش دارند؛ اما رویکرد ما به نقش رسانه‌های فراملی در تضعیف و فرسایش حاکمیت و فرسایش و تضعیف امنیت ملی و دفاع ملی کشورهاست. قدرت رسانه‌های فراملی در تضعیف حاکمیت ملی کشورها به حدی است که می‌تواند موجب فرسایش و تضعیف امنیت ملی و دفاع ملی یا باعث نابودی و براندازی نظام سیاسی کشورها شود. برای تأیید این ادعا می‌توان به نقش برجسته رسانه‌های فراملی در انقلاب‌های رنگی اروپای شرقی و آسیای میانه اشاره کرد. با مشاهده تأثیر فوق‌العاده مؤثر رسانه‌های فراملی بر مردم کشورهای جهان و چالش جدی که رسانه‌های فراملی برای نظام سیاسی کشورها ایجاد کرده‌اند به خوبی

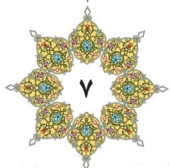


درمی‌یابیم که با موضوع بسیار پر اهمیتی مواجه هستیم. از آنجا که هیچ کس و هیچ چیزی در این دنیا فاقد حقوق نیست، رسانه‌های فراملی نیز از این قاعده مستثنی نیستند و از حقوقی برخوردارند. شناخت حقوق رسانه‌های فراملی و حقوق ملی هر کشور مبحث بسیار مهمی است که در دل خود نکته‌های اساسی دارد و آن در تضاد قرار گرفتن حق ملی کشورها با حقوق رسانه‌های فراملی است؛ زیرا نظام‌های سیاسی مدعی هستند که با ورود رسانه‌های فراملی به درون کشورشان منافع ملی آنها نقض شده است. به عبارت دیگر در کشورهایی که قدرت‌شان تضعیف شده یا از بین رفته است (مثلاً بر اثر انقلاب رنگی) رسانه‌های فراملی اساساً نقش انکارناپذیر و مهمی داشته‌اند. در حقیقت رسانه‌هایی مانند اینترنت و ماهواره ساختارها و شیوه‌های جدیدی در عرصه سیاست به وجود آورده‌اند مانند جنگ رسانه‌ای آرام و بدون خشونت که دگرگونی سیاسی و براندازی نرم نظام سیاسی کشورها از پیامدهای آن است. جنگ نرم رسانه‌های فراملی زمانی که به انقلاب مخملی و رنگی منجر می‌شود، حکایت از قدرت عظیم رسانه‌های مذکور در عرصه‌های سیاسی دارد. نکته مهم دیگر اینکه مشروعیت یا عدم مشروعیت مداخله رسانه‌های فراملی در امور داخلی کشورها باید از طریق قواعد حقوق بین‌الملل بررسی شود.

با این مقدمات، سؤال نوشتار در این فضای رسانه‌های فراملی در تقابل با براندازی نرم نظام سیاسی و فرسایش و تضعیف امنیت ملی و دفاع ملی کشورها این است: آیا رسانه‌های فراملی تأثیری در فرسایش نظام سیاسی و فرسایش و تضعیف امنیت ملی و دفاع ملی کشورها دارند؟ آیا مداخله رسانه‌های فراملی در امور داخلی کشورها در تطابق با قواعد حقوق بین‌الملل است؟ در موارد تعارض حقوق رسانه‌های فراملی با منافع ملی کدام یک مقدم شمرده می‌شود؟

تعاریف و مفاهیم

برای آشنایی بیشتر با یک موضوع بهترین و اولین مرحله ارائه تعریفی جامع و مانع از موضوع است؛ از این رو در مقوله رسانه‌های فراملی ابتدا به تعریف رسانه یا رسانه‌های عمومی می‌پردازیم تا حیطه آنها را به طور کامل مشخص کنیم. وسایل ارتباط جمعی اصطلاح فارسی شده واژه لاتین Medium است و منظور از آن وسایلی هستند که مورد توجه تعداد کثیری قرار دارند و حاصل تمدن‌های جدید هستند. در تعریفی دیگر



هر نوع وسیله‌ای که با آن انتقال اطلاعات امکان‌پذیر باشد، رسانه قلمداد می‌شود.^۱ بنابراین رسانه به معنی هر وسیله‌ای است که انتقال‌دهنده فرهنگ‌ها و افکار عده‌ای باشد.^۲ در عصر کنونی سرعت رسانه‌های فراملی به حدی است که در مدت کوتاهی از رسانه‌های سنتی (مانند روزنامه و ویدئو) پیشی گرفته‌اند (Scolari, 2009: 957).

برخی ویژگی‌های اساسی رسانه‌های فراملی عبارت است از:

- رسانه‌های فراملی امکان دستیابی به اطلاعات را برای مخاطبان افزایش داده‌اند.
- رسانه‌های فراملی محدودیت‌های زمانی و مکانی را از بین برده‌اند، زیرا کارکرد آنها سرعت بخشیدن به توزیع اطلاعات و انباشت و جمع‌آوری آنهاست.
- فضای جدید رسانه‌ای امکان گزینش و کنترل بیشتری به مخاطبان خود می‌دهد.
- رسانه‌های فراملی امکان رد و بدل کردن اطلاعات را فراهم آورده‌اند.
- کنترل خبری در گسترش یا محدود کردن اطلاعات در رسانه‌های جدید نمود خاصی پیدا کرده است (عیوضی، ۱۳۸۷: ۵۹).

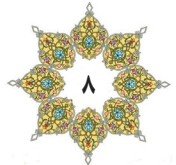
رسانه ابزار تهدید و جنگ نرم

«امروز مهم‌ترین ابزار تهدید و جنگ بین قدرت‌ها در دنیا، رسانه است. امروز حتی قدرت‌های بزرگ هم با رسانه‌ها کار می‌کنند. امروز تأثیر رسانه‌ها و تلویزیون‌ها و هنرها و این شبکه‌های عظیم اطلاع‌رسانی اینترنتی از سلاح و از موشک و بمب اتم بیشتر است. امروز دنیا، یک چنین دنیایی است» (مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، ۱۳۸۳/۳/۲۸).

دنیای رسانه و ارتباطات توانایی تأثیرگذاری در جوامع انسانی را به حدی رسانده که فضای جدیدی را به طور مجازی ایجاد کرده است. این دستاورد در حال حاضر به عنوان ابزاری مؤثر در تهدید و جنگ نرم محسوب می‌شود و کشورهای غربی خاصه آمریکا برای گسترش استیلای خویش بر منافع دیگران از توانایی ارتباطات ماهواره‌ای و جذابیت و کشش بالقوه و بالفعل آن در حد زیادی استفاده می‌کنند. جذابیت‌های نمایشی در ابعاد مختلف اجتماعی و استفاده از نیازهای خبری مردم عامل اصلی تأثیرات درخور توجه رسانه در فضای مجازی است. به طور کلی سه گروه رسانه در

1 . CM, Recommendation Rec,16 of the Committee of Ministers to member states on the right of reply in the new media environment (Adopted by the Committee of Ministers on 15 December 2004 at the 909th meeting of the Ministers' Deputies), para1.

2 . visited in: 25/6/2011 , Available at: http://www.media-anthropology.net/discussion_ma_definition.pdf



فضای مجازی ارتباطات ماهواره‌ای وجود دارد: الف) شبکه‌های خبری؛ ب) شبکه‌های نمایشی ماهواره‌ای؛ ج) اینترنت (تبادل دوطرفه چندرسانه‌ای).

مفاهیم رسانه‌های فراملی، حاکمیت ملی و امنیت و دفاع ملی گرچه دو انگاره جدا از هم هستند، اما به علت حساسیت بالای مفاهیم مذکور در جامعه بین‌المللی و همچنین ارتباط یافتن این مفاهیم با یکدیگر، شایسته است به صورت دقیق بررسی و تبیین شوند. برای شناخت بهتر رسانه‌های فراملی و حق حاکمیت و تأثیرات آنها بر یکدیگر، تشریح و توضیح مفاهیم رسانه‌های فراملی (ماهواره و اینترنت) و حاکمیت ملی امری ضروری است.

رسانه بیگانه و فراملی

از سال ۱۹۸۰ جهان شاهد وقوع تغییرات بنیادین سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده که ماحصل آن انقلاب ارتباطات یا انفجار اطلاعات بوده است. ورود مجموعه وسیعی از فناوری‌ها به حیطه رسانه مانند اینترنت و ماهواره (رسانه‌های نوین فراملی) شکلی تازه به ارتباطات بخشید و عملاً هر جامعه‌ای را تحت پوشش رسانه‌ای قرار داد. اینترنت و ماهواره محدود به مرزها نیستند و به سهولت در دسترس مردم هر کشوری قرار دارند و به همین علت این عصر را به دهکده جهانی تعبیر کرده‌اند. موضوع ما رسانه‌های فراملی است؛ یعنی ماهواره و اینترنت که رسانه‌های مادر محسوب می‌شوند و رسانه‌های دیگر زیرمجموعه این دو ابررسانه هستند. در ادامه به بررسی دو ابررسانه ماهواره و اینترنت می‌پردازیم.

۱. ماهواره‌ها

اولین پرتاب ماهواره به مدار زمین را روس‌ها به نام خود ثبت کردند. این ماهواره که اسپوتنیک^۱ نام داشت، در سال ۱۹۵۸ در مدار زمین قرار گرفت. آمریکایی‌ها دو سال بعد وارد عرصه ماهواره شدند و در سال ۱۹۶۰ اولین ماهواره را پرتاب کردند. با گذشت نیم قرن از ارسال ماهواره‌ها، فناوری صنعت ماهواره و ایستگاه‌های پرتاب آن اکنون در انحصار تعداد محدودی از کشورهاست. بیشترین پرتاب را تا کنون روسیه انجام داده است، ولی ماهواره‌های آمریکایی از لحاظ پیشرفت و دقت از روسیه جلوترند.^۲ در سال ۱۹۶۲، ۵ سال بعد از پرتاب اولین قمر مصنوعی اسپوتنیک ۱ به فضا توسط اتحاد جماهیر شوروی،

1 . Sputnik 1

2 . Visited in: 23/5/2011, Available at: <http://www.space-science.ir/ShowPost.aspx?Post=0000159>



ماهواره تلویزیونی «تل استار» در مدار زمین قرار گرفت. همگان از پیشرفت فنی بشر در تسخیر فضا به وجد آمدند (Reynolds and Merges, 1990: 275). این پیشرفت تا به امروز با سرعت خیره‌کننده‌ای ادامه یافته است. در واقع امروز ارتباط ماهواره‌ای جهانی رشدی سریع پیدا کرده است و محدوده گسترده‌ای از فعالیت‌ها، از ارتباط تلفنی گرفته تا ارسال تصاویر تلویزیونی و ... را تحت پوشش خود قرار می‌دهد (زمانی، ۱۳۷۸: ۳۲۲). از لحاظ فنی، در آغاز، امواج ارسالی ماهواره‌ها توسط ایستگاه‌های زمینی^۱ یا گیرنده‌های عمومی^۲ دریافت و سپس برای گیرندگان خصوصی (خانگی) پخش می‌شد. بدین ترتیب دولت محل دریافت، با توجه به بافت کشور و مقتضیات آن، امواج ماهواره‌ای صلاحیت خود را براساس مضمون و محتوای برنامه‌ها اعلام می‌کرد؛ اما پس از دهه ۱۹۸۰ به تدریج پیشرفت‌های فنی این امر را امکان‌پذیر ساخت که برنامه‌های ارسالی ماهواره‌ها به طور مستقیم توسط گیرندگان خصوصی دریافت شود.^۳ در این وضعیت وساطت دولت در پالایش برنامه‌های ارسالی تا حد زیادی از بین رفت. به دنبال آن حساسیت و آسیب‌پذیری ارزش یک جامعه از برنامه‌های پخش مستقیم ماهواره‌ای بسیاری از دولت‌ها را به اندیشه واداشت.

امروزه ماهواره‌ها به بخشی مهم در زیربنای ساختار ارتباطات و اطلاعات تبدیل شده‌اند؛ به طوری که با اطمینان می‌توان هزاره سوم میلادی را قرن ماهواره‌ها نام نهاد. تکنولوژی ماهواره‌ها، عاملی قوی برای تغییر و دگرگونی است. این تکنولوژی می‌تواند همچون ابزار مفیدی به انسان کمک کند تا با استفاده از آخرین پدیده‌های علمی، زندگی دلخواه و آرمانی پر بار و پرتلاشی داشته باشد. در عصر حاضر یافته‌های علم تقریباً در هر ۱۰ سال دو برابر می‌شود و البته اطلاعات همراه آن در این مدت ۸ تا ۱۰ برابر افزایش می‌یابد. برای آنکه این جریان عظیم اطلاعات به میلیون‌ها استفاده‌کننده در جهان به طور صحیح منتقل شود، به مجراهای ارتباطی خاصی نیاز است که سرعت مخابره فوق‌العاده داشته باشند. در اینجا است که ماهواره‌ها به کمک می‌آیند و با این تکنولوژی جدید، جریان عظیم اطلاعات به هر نقطه‌ای از سرزمین که زیر پوشش ماهواره باشد، روانه می‌شود (ضیایی‌پرور، ۱۳۸۹: ۱۲۹). در حال حاضر ماهواره‌های پرشماری در مدار زمین مستقرند که ابعاد وسیعی از کره زمین را تحت پوشش قرار می‌دهند. با پیشرفت تکنولوژی، پوشش‌دهی ماهواره‌ها هم بیشتر می‌شود (Amezaga, Albizu, 2007: 240).

1 . Point to Point or Fixed Satellite Service
2 . DistributionType Broadcast
3 . Direct Broadcast



– ماهواره و حقوق بین الملل

با آغاز فعالیت انسان در فضای فراجو و شروع رقابت مدعیان فناوری نوین و پیشرفته فضایی، قانونمند کردن و تهیه و تنظیم یک رژیم حقوقی پذیرفته شده، ذهن جامعه جهانی را به خود مشغول کرد. نخستین مسئله حقوقی که پیش از پدیدار شدن اختلاف ناشی از تهاجم فرهنگی برنامه های تلویزیونی از طریق ماهواره ها بین کشورهای با فرهنگ های متفاوت بروز کرد، موضوع حاکمیت کشورها بر فضای بالای سرزمین شان بود. براساس اصل حاکمیت دولت ها بر قلمرو زمینی، دریایی و هوایی و بر فضای بالای کشورشان، استفاده کشورهای دیگر از حریم هوایی آنها بدون اجازه امکان پذیر نیست؛ ولی ارسال امواج الکترومغناطیس حامل برنامه های مخابراتی و رادیویی و تلویزیونی و عبور ماهواره ها که با اعتراض مؤثر هیچ کشوری روبه رو نشد، این اصل حقوق بین الملل را نادیده گرفت. کشورها عبور و فعالیت های مختلف ماهواره ها را بر فراز جو خاکشان، نقض حاکمیت خود نمی پنداشتند و حقوق بین الملل نیز به شکل دهی قاعده هایی پرداخت که به موجب آن فضای فراجو از حیطة حریم فضایی کشورها خارج می شد و حاکمیت کشورها بر فضای بالای سرشان تنها تا جو زمین قابلیت اعمال می یافت (حسینی، ۱۳۷۹: ۵۸). ارسال اسپوتنیک ۱ از طرف شوروی، آمریکا را وادار کرد تلاش های وسیعی در جهت قانونمند کردن ارسال ماهواره و استفاده از فضا کند. ظرف شش هفته پس از ارسال اسپوتنیک، اولین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل به شماره ۱۱۴۸ با ۵۶ رأی موافق، ۱۵ ممتنع و ۹ رأی منفی از جمله شوروی به تصویب رسید که کانادا، فرانسه، آمریکا و انگلیس آن را ارائه کردند. در این قطعنامه تأکید شد: ارسال هر شیئی به فضای ماورای جو باید منحصرأ با اهداف صلح جویانه و علمی باشد. هر دو ابرقدرت ترس واقعی از نظامی شدن فضا داشتند (Bovet and Kellezi, 2008: 246). سازمان ملل متحد و یونسکو در نظری مشابه درباره گرفتن رضایت قبلی از کشوری که امواج ماهواره ای به درون قلمرو آن وارد می شود از سال ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۸۰ به بحث و مذاکره پرداختند. سازمان ملل متحد به این علت که در مقوله ماهواره ها نیاز به تحقیق و فعالیت را تشخیص داد، براساس قطعنامه شماره X111 1348 کمیته ای در مورد استفاده صلح جویانه از فضای ماورای جو^۱ (کوپیوس) ایجاد کرد که جمهوری اسلامی ایران نیز عضو کمیته مذکور است. اعضای گروه کوپیوس در مورد ممنوعیت پخش برنامه های ماهواره ای به بحث و تبادل نظر پرداختند.^۲ نظر گروه این بود که اگر برنامه ای به داخل مرزهای کشوری ارسال می شود، باید رضایت قبلی دولت ذی ربط را به دست آورد و این

1 . COPUOS

2 . COPUOS formal website, visited in 24/5/2011, Available at: www.oosa.unvienna.org/oosa/en/COPUOS/members



رضایت می‌تواند از طریق انعقاد معاهده دوجانبه انجام گیرد. مباحثات در ارتباط با پخش برنامه‌های ماهواره‌ای بسیار با بحث آزادی گردش اطلاعات و همچنین ارتباطات جهانی جدید مرتبط شده بود. این کمیته دو اصل اساسی را مورد تأیید رسمی قرار می‌دهد:

۱. فضای فراجو باید برای اهداف صلح‌آمیز به کار گرفته شود.

۲. فضای فراجو میراث عمومی تمام بشریت است (بردبار، ۱۳۸۱: ۱۵۶).

از نکات مهمی که می‌توان بیان کرد پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی (۱۹۷۲) بود که اتحاد جماهیر شوروی سابق تقدیم کوپیوس کرد که در آن روی محتوای برنامه‌های پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای و تحصیل رضایت صریح دولت گیرنده تأکید شده بود. یکی از نکات مهم طرح شوروی نابودی و خنثی کردن برنامه‌های ناخواسته پخش مستقیم ماهواره‌ای بود که فقط از طریق نابودی و خنثی کردن ابزارهای پخش مستقیم ماهواره‌ای حتی نابودی ماهواره فرستنده در داخل یا خارج قلمرو کشور گیرنده انجام‌شدنی بود. علت مخالفت شوروی با پخش آزادانه برنامه‌های ماهواره‌ای، نظام کمونیستی حاکم در این کشور بود که از ورود اندیشه‌های غربی و نظام سرمایه‌داری به داخل کشور به شدت واهمه داشت؛ در نتیجه تمام مباحثات کوپیوس به معاهده الزام‌آوری ختم نشد، ولی این تبادل نظرها زمینه‌ای شد تا مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه معروف ۳۷/۹۲ را در سال ۱۹۸۲ به تصویب برساند که به نام قطعنامه «اصول حاکم بر استفاده دولت‌ها از ماهواره‌ها به منظور پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی» مشهور شد (Oborne, 2005: 174). اصل صریحی که دولت‌ها را به کسب اجازه قبلی برای ارسال امواج ماهواره‌ای ملزم می‌کرد، متروک شد، اما پاراگراف هشتم قطعنامه مذکور دولت‌هایی را که در زمینه پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم فعالیت داشتند، موظف می‌کرد برای فعالیت‌هایشان در مورد مذکور مسئولیت خواهند داشت (Price, 2008: 248). اصل رضایت قبلی برای ارسال امواج ماهواره‌ای گرچه اصلی ناشناخته بود، ولی به آن در پاراگراف ۱۳ قطعنامه ۳۷/۹۲ اشاره شده است: «دولت‌هایی که قصد ارسال و پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی دارند، ملزم هستند بدون تأخیر، دولت یا دولت‌هایی را که دریافت‌کننده برنامه‌های مذکور هستند، آگاه سازند...»^۱.

کوپیوس هم اکنون یک سازمان بین‌المللی است و دارای دو کمیته فرعی حقوقی و علمی و فنی است. این کمیته چندین جلسه سالانه دارد که گزارش‌های بسیاری



1. GA, -A/RES/37/92, Principles Governing the Use by States of Artificial Earth Satellites for International Direct Television Broadcasting, 10 December 1982, para13.

در آنها ارائه می‌شود. کمیته علمی و فنی برای رفع مشکلات علمی و ایجاد تسهیلات فنی در استفاده از فضا ایجاد شده است. کمیته فرعی حقوقی نیز به مسائل حقوقی می‌پردازد و پیشنهادهایی را برای حل این مسائل می‌کند. این پیشنهادها به کمیته اصلی تسلیم می‌شود و در آنجا به اتفاق آرا در این باره تصمیم‌گیری می‌شود. نتایج حاصل به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه می‌شود. گاهی ممکن است رسیدن به اتفاق نظر درباره برخی مسائل چندین سال به طول بینجامد.^۱ اولین معاهده بین‌المللی در زمینه ماهواره‌ها معاهده ۱۹۶۷ است که فضای ماورای جو مبتنی بر منافع تمامی انسان‌هاست و همچنین استفاده به منظور اهداف صلح‌جویانه از فضای ماورای جو است (Dean, P.4; Osborne, 2005: 173). نکته دیگر آنکه از فرستادن اولین ماهواره به فضا تقریباً زمان زیادی گذشته است، اما داشتن ساختار حقوقی کماکان دغدغه اصلی حقوق بین‌الملل برای قاعده‌مند کردن ماهواره‌هاست، هرچند در مقررات زیادی به فضای ماورای جو اشاره شده است (Reynolds and Merges, 1990: 276).

۲. اینترنت

گرچه ممکن است برای اشخاصی که از اینترنت استفاده می‌کنند پاسخ این پرسش که «اینترنت چیست؟» واضح و مبرهن باشد، اما چنین پرسشی باید مطرح شود. متأسفانه افراد بسیاری با توجه به دامنه وسیع واژه‌ها که برای توضیح اینترنت به کار می‌رود، دچار نوعی سردرگمی می‌شوند. این واژه‌ها نظیر Net (شبکه)، Cyberspace (فضای کامپیوتری- فضای مجازی)، Information Superhighway (شبکه گسترده اطلاعات) و World Wide Web (www) (وب جهانی) است. گرچه ممکن است این واژه‌ها تعریفی برای فناوری جدید باشند، اما اغلب توصیفی نادرست به شمار می‌آیند یا توضیحی نامفهوم درباره اینترنت ارائه می‌دهند. به عبارت ساده‌تر، اینترنت می‌تواند به عنوان یک منبع جهانی اطلاعات و خدمات، قابل دسترس در سطح منطقه از طریق ایستگاه‌های رایانه‌ای خصوصی که هر بخش از یک سیستم عمومی وابسته به شبکه‌های رایانه‌ای مرتبط به هم را تشکیل می‌دهند، تعریف شود (هلیپین و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۹).

1 . COPUOS formal website, visited in : 16/6/2011 , Available at: http://www.unoosa.org/oosa/en/COPUOS/cop_overview.html & <http://www.unoosa.org/oosa/en/COPUOS/copuos.html>



– اینترنت و حقوق بین‌الملل

با فراگیر شدن استفاده از اینترنت، سوءاستفاده و اعمال مجرمانه از آن هویدا شد. کارهای غیراخلاقی و اعمال نژادپرستانه گوشه‌ای از افعال مذمومی است که از طریق اینترنت انجام می‌گیرد. بسیاری معتقدند اینترنت فرصتی استثنایی برای سوءاستفاده، فعالیت‌های جاسوسی، حمله سایبری به همه اماکن و تأسیسات امنیتی، اخبار کذب برای هدف قرار دادن بصیرت و معرفت انسانی و در یک کلام فرهنگ و ارزش‌های کشور هدف است (Selwyn, 2008: 446). درباره نظارت بر اینترنت بارها اظهار نظر شده است. ماهیت اینترنت جهانی است؛ به این سبب دانشمندان علم حقوق متقاعد شده‌اند که اینترنت نیاز به مقرراتی جهانی دارد. جوان کوربالیجا^۱ بر این باور است که فضای اینترنتی هرج و مرج است و فعالیت‌های مجرمانه‌ای مانند هک سایت‌ها روز به روز شدت می‌گیرد و همچنین برخورد بسیاری از دولت‌ها با اینترنت مناسب نیست و نمی‌توانند به خوبی اینترنت را کنترل کنند؛ از این رو فقدان قواعد بین‌المللی عام‌الشمول یقیناً حس می‌شود (Kurbalija, P.107). در همین راستا تلاش‌هایی هم در جامعه جهانی صورت گرفته است که می‌توان به کوشش شورای اروپا برای قانونمند کردن فعالیت‌ها در اینترنت اشاره کرد (Sturges, 2000: 281). گرچه استدلال‌های بی‌شماری به منظور قاعده‌مند شدن اینترنت ارائه شده، اما اساساً به نتیجه مطلوبی ختم نشده است. یکی از دلایل مهم حاصل نشدن نتیجه مورد قبول، فقدان قوانین ملی مؤثر در برخورد با جرایم سایبری و جاسوسی اینترنتی بود (Kurbalija, P.106). نظر به اینکه بعضی قواعد حقوق بین‌الملل عمومی به حوزه اینترنت نیز مربوط می‌شود در این قسمت به طور خلاصه به معرفی آن دسته از قواعد حقوق بین‌الملل عمومی (شامل معاهدات، عرف‌ها و حقوق نرم)^۲ می‌پردازیم که می‌تواند در زمینه اینترنت مورد استفاده قرار گیرد. در حال حاضر تنها کنوانسیون‌هایی که مستقیماً مرتبط با اینترنت است کنوانسیون جرایم سایبری شورای اروپاست. شورای اروپا در خصوص این کنوانسیون اظهار می‌دارد: کنوانسیون جرایم سایبری به رغم اینکه چارچوب حقوقی به اینترنت می‌دهد، اما برای قانونمند کردن اینترنت کافی نیست. شورای اروپا اینترنت را فراتر از همه رسانه‌ها می‌داند و توجهی ویژه برای وضع مقررات مناسب را ضروری قلمداد می‌کند. مقررات و قواعد دیگری نیز در زمینه ارتباطات در اسناد بین‌المللی

1 . Jovan Kurbalija

2 . Soft Law



دیگر وجود دارد که با تفسیری موسع مناسباتی با اینترنت پیدا می‌کند (مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی). در زمینه قواعد عرفی وضعیت کمی بهتر از معاهدات است. قواعد عرفی وسعت بیشتری نسبت به معاهدات دارند. توسعه عرف، بستگی به دو اصل دارد:

۱. رویه عمومی (رایج بودن آن قاعده میان اکثریت)؛

۲. به رسمیت شناختن آن رویه (اعتقاد به الزام‌آور بودن آن).

قاعده عرفی برای تثبیت در جامعه نیاز به پروسه زمانی طولانی دارد. عصر حاضر عصر شکل‌گیری قواعد عرفی در زمینه اینترنت است. در حال حاضر بسیاری از کشورها به مقابله با هکرها و سیستم‌های جاسوسی برمی‌خیزند و همچنین سایت‌هایی را که تهدیدی علیه امنیت ملی خود می‌بینند، مسدود می‌کنند. این اعمال در حال تبدیل شدن به قواعد عرفی است. از آنجا که فعالیت‌هایی مانند نظارت بر اینترنت و مقابله با سایت‌های جاسوسی و ... به رویه عمومی در بسیاری از کشورها تبدیل شده است، اگر اعمال مذکور تثبیت شوند، یقیناً قواعد عرفی اینترنت به شمار می‌آیند؛ ولی تا آن زمان فعالیت‌هایی را که در زمینه اینترنت به واسطه دولت‌ها انجام می‌گیرد باید به اصطلاح حقوق نرم قلمداد کرد. حقوق نرم جزء آن دسته از حقوقی است که رعایت آنها الزامی نیست، گرچه رعایت نکردن آنها نشان‌دهنده حسن نیت نیست. حقوق نرمی را که می‌توان به آنها اشاره کرد، در اسنادی مانند بیانیه‌های سیاسی، تفسیرها و ... که جنبه الزام‌آور ندارند، قابل جست‌وجوست. در زمینه اینترنت بیانیه‌ها فراوان نیست، چون توافق چندانی در این زمینه در جامعه جهانی حاصل نشده است. با وجود این، اتحادیه بین‌المللی مخابرات^۱ توانست نظر مثبت سازمان ملل متحد را برای برگزاری اجلاسی در زمینه جامعه اطلاعاتی جهانی جلب کند و در سال ۲۰۰۱، شورای اتحادیه بین‌المللی مخابرات تصمیم گرفت اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی^۲ را در دو مرحله برگزار کند: مرحله اول از ۱۰ تا ۱۲ دسامبر ۲۰۰۳ در شهر ژنو در سوئیس و مرحله دوم از ۱۶ تا ۱۸ نوامبر ۲۰۰۵ در تونس که هر دو اجلاس با موفقیت به پایان رسیدند و ماحصل آنها تصویب دو سند مهم با عناوین اعلامیه اصول و برنامه اقدام بود. موضوعات مهمی در اسناد مذکور مورد توافق قرار گرفت که می‌توان به مسئله حقوق بشر در اینترنت اشاره کرد (Segura-serrano, 2006: 3 & Kurbalija, P.111). مجمع

1 . ITU

2 . WSIS



عمومی ملل متحد در قطعنامه ۵۶/۱۸۳ خود از روالی که شورای اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور برای برگزاری اجلاس اتخاذ کرده بود، حمایت کرد. در این قطعنامه همچنین از نقش رهبری اتحادیه در برگزاری اجلاس و تدارک و آماده‌سازی آن، با همکاری سایر سازمان‌ها و گروه‌های علاقه‌مند، پشتیبانی شده است.^۱

ناگفته نماند تمام قواعد حقوقی اینترنت در مرحله شکل‌گیری هستند. این قواعد نرم (ابتدایی) در حال تبدیل به قواعد سخت هستند. این فرایند مستلزم طی کردن مراحل است مشابه آن دسته از قواعد و اصول حقوق بین‌الملل که زمانی جنبه الزام‌آور نداشتند ولی به تدریج به قواعد الزام‌آور تبدیل شدند.

حق دسترسی به اطلاعات

دسترسی به اطلاعات اعم از «جست‌وجو»، «دریافت» و «رساندن اطلاعات» است که هم در اسناد و هم در رویه بین‌المللی بر آن تأکید و به عنوان جزء لاینفک آزادی بیان پذیرفته شده است. این حق مشتمل بر دسترسی به انواع اطلاعات نظیر اطلاعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، محیط زیستی و حتی اطلاعات مربوط به سیستم نظامی است (رضایی نژاد، ۱۳۸۰: ۲۶). در رأی مصوب سال ۱۹۸۱ کمیته وزرای شورای اروپا حق دسترسی به اطلاعات به صراحت بیان شده است. در این رأی کمیته وزرا اظهار می‌دارد که دولت‌ها باید دسترسی آزاد به اطلاعات را فراهم کنند و این دسترسی باید برای همه افراد به صورت مساوی امکان‌پذیر باشد.^۲

اعلامیه اسلامی حقوق بشر^۳ (اعلامیه قاهره ۱۹۹۰)

سازمان کنفرانس اسلامی در ۱۴ مرداد ۱۳۶۹ پس از چندین دور بررسی کارشناسی در اجلاس قاهره، اعلامیه‌ای را با عنوان «اعلامیه اسلامی حقوق بشر» که به اعلامیه قاهره هم شهرت دارد، به تصویب رساند که بیانگر دیدگاه‌های مشترک دول اسلامی در حیطه حق‌های انسانی و تکالیف دولت‌هاست. این سند اولین ابتکار رسمی کشورهای اسلامی برای ارائه دیدگاه مبتنی بر اندیشه اسلامی در زمینه حقوق بشر تلقی می‌شود. اعلامیه مذکور با توجه به شریعت اسلامی به آزادی بیان و اطلاعات پرداخته است. در

1 . GA, A/RES/56/183, World Summit on the Information Society, Fifty-sixth session, 31 January 2002, para1.

2 . CM, of the Committee of Ministers to Meber States on the Access to Information Held by Public Authorities, (Adopted by the Committee of Ministers on 25 November 1981, at the 340th Meeting of the Ministers' Deputies), para4.

3 . DHRI



حقیقت اعلامیه جنبه شرعی و مذهبی دارد و به صراحت در ماده ۲۴ آن ذکر شده است: «کلیه حقوق و آزادی‌های مذکور در این سند مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی است.»

در بند الف ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر، آزادی بیان مشروع اعلام می‌شود منوط به اینکه مغایر اصول شرعی اسلامی نباشد.

با نگاهی دقیق به اسنادی که تا کنون مورد بررسی قرار گرفته‌اند می‌توان نتیجه گرفت آنچه در قالب این اسناد به عنوان حق آزادی بیان و اطلاعات مورد اشاره قرار گرفته به هیچ وجه جنبه حصری ندارد و با توجه به پیشرفت‌های به‌عمل‌آمده در حوزه ارتباطات به رسانه‌های فراملی نیز قابل تسری است. با این حال نباید از یاد برد که رسانه‌های مذکور همان‌گونه که از حق آزادی بیان و اطلاعات برخوردارند، تابع محدودیت‌های آن نیز هستند.

مصادیق محدودیت‌های آزادی بیان و اطلاعات

در اینجا به مصادیق محدودیت‌هایی که در اسناد مذکور و همچنین در رویه قضایی مندرج است، می‌پردازیم و آنها را تبیین می‌کنیم. این محدودیت‌ها شامل اخلاق، نظم عمومی، عدم تبلیغ برای جنگ و امنیت ملی است که مورد آخر مهم‌ترین نوع محدودیت برای آزادی بیان و اطلاعات به شمار می‌رود چون تهدید امنیت ملی می‌تواند بزرگ‌ترین تهدید برای یک کشور باشد.

۱. نظم عمومی

در خصوص نظم عمومی یقیناً باید اذعان کرد که اسناد متعددی بدان اشاره کرده‌اند که می‌توان به بند دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ... اشاره کرد. درباره نظم عمومی دو دیدگاه متناقض وجود دارد: دیدگاه نوعی و دیدگاه ذهنی. دیدگاه نوعی معتقد است عناصر نظم عمومی را باید در روابط عینی جست‌وجو کرد؛ به این معنا که مثلاً اگر در نقطه‌ای آشوبی رخ دهد و با حمله به مردم یا شکستن شیشه‌ها به ارباب مردم بپردازند، نظم عمومی مختل خواهد شد. اما برخی با اتخاذ دیدگاه ذهنی معتقدند نظم عمومی همان اصول کلی حیات اجتماعی است که به طور مشخص در قوانین یا قواعد اخلاقی تجلی یافته است. مقررات بین‌المللی حقوق بشر از دیدگاه نوعی پیروی می‌کنند (صادقی، ۱۳۸۴: ۹۱).



کمیته حقوق بشر در این خصوص اظهار می‌دارد نظم عمومی زمانی به هم می‌خورد که حرکتی یا گفتاری در فضای عمومی جامعه مغایر هنجارهای آن جامعه باشد. برای مثال اخلال در نظم دادگاه می‌تواند به عنوان خدشه‌دار شدن نظم عمومی تلقی شود.^۱ علت پیروی مقررات بین‌المللی حقوق بشر از دیدگاه نوعی آن است که طبق این مقررات، تعریف ملی از نظم عمومی تا جایی معتبر است که با تعریف مقررات بین‌المللی مطابقت داشته باشد و در غیر این صورت حتی صلاحیت تقنینی کشورها نیز براساس مقررات بین‌المللی لازم‌الاجرای حقوق بشر محدود می‌شود. بنابراین ماده ۴۶ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین چنین مقرر می‌کند: «بند ۱: هیچ کشوری نمی‌تواند با تکیه بر این واقعیت که رضایتش به التزام در قبال معاهده، در نتیجه نقض مقررات داخلی آن در خصوص صلاحیت انعقاد معاهدات بوده و رضایتش را معلول ساخته، استناد کند، مگر آنکه نقض آشکار بوده و به یک قاعده مهم بنیادین حقوق داخلی مربوط باشد...».

۲. عدم تبلیغ برای جنگ

عدم تبلیغات برای جنگ استثنای بسیار مهمی است که با کمال تعجب اسناد کمتری در مقایسه با سایر استثنائات بر آزادی بیان و اطلاعات، بدان اشاره کرده‌اند. به طور کلی می‌توان به ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ... و در نهایت بند سوم ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر اشاره کرد که به موضوع عدم تبلیغ برای جنگ پرداخته‌اند. مهم‌ترین استفاده و کاربرد تبلیغات در زمان جنگ نمایان می‌شود؛ به گونه‌ای که طرفین متخاصم از تبلیغات به نفع خود و علیه یکدیگر استفاده و سعی می‌کنند مردم را به هر نحو ممکن با خود همراه سازند و در این راه از هر تلاشی برای بهره‌مندی هدف خویش استفاده می‌کنند (Kumar, 2004: 297).

تبلیغات به صورت کلی به سه روش انجام می‌شود: ۱. تبلیغات به گونه‌ای انجام می‌گیرد که به نظر کاملاً منطقی و عاقلانه می‌آید. ۲. تبلیغات به اخلاق یا حقوق استناد می‌کند تا مشروع جلوه‌گر شود. ۳. تبلیغات حس خوشایندی با خود دارد. برای مثال در تبلیغ از اعتقادات با ارزش مردم استفاده می‌شود (Stults, 2001: 1).

علاوه بر این سه روش، مهم‌ترین فرایند تبلیغات، قبول کردن تبلیغات به واسطه مردم است. اساساً یکی از موارد نقض محدودیت‌های آزادی بیان توسط رسانه‌های فراملی رعایت نکردن عدم تبلیغ برای جنگ است. رسانه‌های فراملی آمریکا در جنگ



1. HRC, General Comment No. 34: Prohibition of propaganda for war and inciting national, racial or religious hatred (Art. 20): . 07/29/1983. (Nineteenth session, 1983) para 31.

افغانستان و عراق به طور کلی عدم تبلیغ برای جنگ را نادیده گرفتند و تمام تلاش خود را برای موفقیت آمریکا در جنگ‌های مذکور به کار بردند. همچنین رسانه‌های فراملی کشورهای غربی جنگ رسانه‌ای را علیه لیبی آغاز و افکار عمومی را برای جنگ نظامی با این کشور آماده کردند و حین جنگ نیز مدام به تبلیغات جنگی می‌پرداختند. کمیته حقوق بشر در خصوص ماده ۲۰ و عدم تبلیغات اظهار می‌دارد که ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دفاع کشورها از حاکمیت خود در مقابل حمله‌های تبلیغاتی ضد حکومت خویش را ممنوع نمی‌داند؛ اما کمیته معتقد است کشورها نمی‌توانند دفاع صحیحی انجام دهند و احتمال اینکه آنها در مقابل تبلیغات دفاع اصولی کنند، کم است. به همین دلیل ممکن است به احتمال زیاد آنها نیز مقابله به مثل کنند و دست به تبلیغات بزنند.^۱ بنابراین راهکار کمیته حقوق بشر عدم مقابله با تبلیغات است و کمیته راهکار دیگری برای حل این مسئله ارائه نمی‌دهد.

۳. امنیت ملی

امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه و بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد.

با توجه به تعریف بالا به نظر می‌رسد حفظ ارزش‌های معنوی جامعه، تمامیت ارضی، استقلال و آزادی اجتماعی و سیاسی و حفظ جان و نوامیس مردم از موارد اساسی وظایف دولت‌ها در مقوله امنیت ملی و دفاع همه‌جانبه است.

امنیت ملی استثنای بسیار مهمی بر آزادی بیان و اطلاعات است که برعکس عدم تبلیغ برای جنگ، اسناد بیشتری به صراحت بدان اشاره کرده‌اند که می‌توان به بند دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند دوم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اشاره کرد. یکی از اهداف و وظایف اساسی حقوق، تأمین و تضمین امنیت در جامعه است. در صورتی که سطح معقولی از امنیت در جامعه وجود نداشته باشد، آن جامعه نمی‌تواند از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان خود محافظت کند. امنیت ممکن است در عرصه‌های

1. HRC, General Comment No. 11: Prohibition of propaganda for war and inciting national, racial or religious hatred (Art. 20) : 07/29/1983. (Nineteenth session, 1983), Para2.



مختلف فردی، گروهی یا جمعی و ملی در معرض تهدید قرار گیرد. منشأ تهدیدها نیز ممکن است داخلی یا خارجی باشد. با آنکه میان امنیت‌های فردی و جمعی و ملی ارتباط متقابل وجود دارد، در این میان، امنیت ملی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا بستر لازم را برای تأمین سایر امنیت‌ها و شکوفایی حقوق و آزادی‌های اساسی فراهم می‌آورد. سایر امنیت‌ها را ممکن است در برابر ارزش‌های دیگر قربانی کرد، اما امنیت ملی همواره ارزش غالب است و دولت‌ها آن را در مصاف با هیچ ارزشی فدا نمی‌کنند؛ زیرا در غیر این صورت، موجودیت، تمامیت و اقتدار و فلسفه وجودی آنها در معرض خطر جدی قرار می‌گیرد. از این رو، در کشورهای مختلف، اهمیت امنیت ملی به حدی زیاد است که در صورت تعارض با سایر حقوق و آزادی‌های شهروندی، بر آنها غلبه می‌یابد و آنها را محدود یا معلق می‌کند (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۶۳). مفهوم امنیت ملی را می‌توان مهم‌ترین مفهومی دانست که دولت‌ها براساس آن، اعمال حقوق و آزادی‌ها را محدود می‌کنند؛ به خصوص حق آزادی بیان و اطلاعات در معرض بیشترین تحدید و خدشه از طریق توسل به این مفهوم قرار گرفته و می‌گیرد تا حدی که چند اصل از سند اجلاس ۲۰۰۱ ژوهانسبورگ^۱ به این موضوع اختصاص یافته است. اما علاوه بر گستردگی توسل به این مفهوم، تعریف آن با دشواری‌ها و پیچیدگی‌هایی مواجه است. معمولاً امنیت ملی را اساسی‌ترین عنصری می‌دانند که در زندگی اجتماعی یک ملت وجود دارد. به عبارت دیگر «امنیت ملی» عنصری است که تهدید آن مترادف تهدید تمامیت حیات یک ملت است و به همین دلیل معمولاً یک تهدید نظامی جدی اعم از خارجی و داخلی می‌تواند امنیت ملی را به خطر اندازد. به عبارت دقیق‌تر، امنیت ملی اصولاً در صورتی به خطر می‌افتد که جنگی در شرف وقوع باشد یا رخ داده باشد. مرکز بین‌المللی مبارزه با سانسور^۲ معتقد است که تنها در صورتی می‌توان به امنیت ملی استناد کرد که خطر مشخصی تمامیت ارضی یا ملی یک کشور را تهدید کند و اگر این خطر متوجه یک دولت و رژیم خاص باشد، نمی‌توان به امنیت ملی استناد کرد (مولایی، بی‌تا: ۳۲). با وجود این، هر نوع اطلاعاتی که به واسطه رسانه‌های فراملی پخش شود و انتشار یابد و شهروندان کشوری را مطلع سازد و آن اطلاع‌رسانی امنیت ملی را تضعیف کند، به زعم اکثر دولت‌ها، باید از دسترس درخواست‌کنندگان اطلاعات دور نگه داشته شود (مولایی، بی‌تا: ۱۶۴).

1 . Johannesburg 2001

2 . ICAC



الف) عوامل مؤثر بر امنیت ملی در مقابل تهدیدهای خارجی

۱. قدرت زیرساخت‌های داخلی یا به عبارت دیگر میزان پتانسیل مؤلفه‌های قدرت ملی؛
۲. قدرت و ظرفیت بازدارندگی مؤثر؛
۳. توانایی در ایجاد قدرت مکمل از طریق مشارکت در پیمان‌های منطقه‌ای یا اتحادیه‌های نظامی؛
۴. منافع امنیتی مشترک با سایر قدرت‌ها؛
۵. منافع اقتصادی و سیاسی مشترک با سایر دولت‌ها؛
۶. وجود تاریخ نظامی درخشان (اجرای جنگ‌های موفق به ویژه در گذشته نزدیک)؛
۷. میزان توانایی در هدایت و مدیریت بحران‌ها؛
۸. موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مناسب؛
۹. توانایی نظام‌های امنیت جمعی در کنترل نا امنی.

ب) عوامل مؤثر بر امنیت ملی در مقابل تهدیدهای داخلی

۱. وحدت ملی و اعتقادی؛
۲. اعتماد متقابل ملت و رهبری؛
۳. وجود مشروعیت نظام حاکم نزد افکار عمومی؛
۴. اقتدار نظام در هدایت و مهار بحران‌های داخلی؛
۵. توانایی نظام در هدایت و مهار بحران‌های داخلی؛
۶. فقدان نیروی گریز از مرکز؛
۷. توسعه پایدار؛
۸. سلامت سیستم اقتصادی و اداری کشور؛
۹. عدم تأثیرپذیری فرهنگ بومی از نفوذ عوامل فرهنگی بیگانه.

ج) ابعاد امنیت ملی

از آنجا که امنیت نیاز فطری هر انسان است و در زندگی اجتماعی او نقش مهمی ایفا می‌کند، همانند سایر نیازهای اصلی انسان چند بعدی است و جهات گوناگون دارد. از جمله ابعاد امنیت ملی، امنیت فرهنگی، امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت نظامی و امنیت طبیعی است. همه این ابعاد و مجموعه نیازهای



امنیتی در یک سیستم، به طور ارگانیک با یکدیگر در ارتباط هستند و برابند امنیت در این ابعاد، امنیت ملی را به وجود می‌آورد. بنابراین امروز صحت از امنیت فرهنگی، بدون توجه به امنیت سیاسی، اقتصادی و ... و متقابلاً امنیت سیاسی بدون برخورداری از امنیت فرهنگی، نظامی و ... توجیه‌پذیر نیست؛ بنابراین باید به تعامل و کنش متقابل ابعاد فوق در ارتباط ارگانیکی نیز توجه کرد.

د) حد امنیت ملی

حتی اگر امنیت تنها به معنای فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده باشد، باز هم نمی‌توان برداشت دقیق و نظر واحدی درباره آن داشت. امنیت یک کشور می‌تواند میان دو قطب که یکی امنیت کامل و دیگری فقدان کامل امنیت است، در نوسان باشد. از آنجا که میزان تهدید نسبت به امنیت و احتمال حمله آتی دشمنان را نمی‌توان به طور عینی اندازه گرفت، ارزیابی میزان و حد امنیت تا حدود زیادی ذهنی است. در نظام حقوقی اکثر کشورها، از مطالعه و بررسی قوانین، مقررات و رویه‌هایی که درباره امنیت ملی وجود دارد، می‌توان موارد زیر را در زمره مهم‌ترین مقوله‌های اطلاعات مرتبط با امنیت ملی دانست:

۱. اطلاعاتی که افشای آنها خطر جدی علیه وحدت و یکپارچگی کشور داشته باشد.

۲. اطلاعاتی که افشای آنها تحریک مؤثر برای شورش و اغتشاش در کشور باشد.

۳. اطلاعاتی که افشای آنها به ایجاد تنفر و اختلافات قومی، نژادی و مذهبی منجر شود.

۴. اطلاعاتی که مرجع عالی امنیتی کشور افشای آنها را ممنوع سازد.

۵. طرح‌های استراتژیک نظامی یا هر نوع اطلاعات نظامی که افشای آنها خسارت جبران‌ناپذیری به امنیت دفاعی کشور وارد کند.

۶. اطلاعات مربوط به سیاست خارجی و روابط با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در صورتی که افشای آنها به امنیت بین‌المللی دولت آسیب وارد آورد.

۷. اطلاعات درباره برخی مناطق، اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی‌شده توسط مراجع

امنیتی کشور؛

۸. اطلاعات مربوط به حفاظت از برخی اشخاص و مقامات حکومتی (مولایی، بی‌تا:

۱۶۵-۱۶۶).



هـ) قانونی بودن محدودیت

شکی نیست که مقامات داخلی یک کشور در تحدید حقوق از آزادی عمل برخوردارند و تعیین می‌کنند در چه ظرف زمانی یا مکانی می‌توان این محدودیت‌ها را بر آزادی‌ها و حقوق اشخاص اعمال کرد؛ اما اینکه محدودیت‌ها باید منطبق با قانون باشد، به معنی مطابقت با قانون داخلی است. به عبارت دیگر قانون داخلی به تعریف و شرایط محدودیت‌ها می‌پردازد (کوچ نژاد، ۱۳۸۳: ۱۷۴). در این راستا کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد به صراحت اعلام می‌دارد قانونی بودن محدودیت بسیار اهمیت دارد تا جایی که اگر محدودیت‌ها قانونی نباشند، مشروعیت ندارند و اساساً مشروعیت محدودیت منوط به قانونی بودن آن است.^۱ کمیته حقوق بشر همچنین در خصوص این شرط و در تشریح بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اظهار می‌دارد قانونی بودن محدودیت علت‌های مهم و انکارناپذیری دارد. یکی از علل این است که تشریح محدودیت توسط قانون فرد را قادر می‌سازد که آن محدودیت را با دقت بالا و صحیح اعمال کند. علت دیگر این است که عموم مردم از آن محدودیت مطلع می‌شوند.^۲ بنابراین باید هر محدودیتی طبق قانون تعیین شده باشد؛ به این معنا که اولاً اعمال محدودیت باید طبق قانون داخلی آن کشور پیش‌بینی شده باشد. ثانیاً این محدودیت قانونی برای عموم مردم به صورت روشن و صریح و با وضوح کافی عرضه شده باشد. ثالثاً نتایج تخطی از محدودیت قانونی برای عموم قابل پیش‌بینی باشد.

و) ضروری بودن محدودیت

ضروری بودن محدودیت‌ها یعنی این محدودیت‌ها باید در پاسخ به نیازهای اساسی یک جامعه اتخاذ شوند و این محدودیت‌های ضروری باید از دو شرط برخوردار باشند: اول آنکه اقدامات اتخاذی باید مناسب هدفی مشروع باشند. دوم آنکه اقدامات اتخاذی باید با معیارهای آزادی منطبق باشند. در ارتباط با هدف مشروع باید گفت هدف مشروع برای اعمال محدودیت بر آزادی بیان و اطلاعات و نیز نظارت بر محدودیت‌ها باعث می‌شود که دولت‌ها نتوانند با توسل به این محدودیت‌ها، حقوق و آزادی‌های اشخاص را نقض کنند. همچنین این محدودیت‌ها زمانی مشروع خواهند بود که در

1 . HRC, General Comment No. 10, op.cit., para3.

2 . HRC, General comment No. 34, op.cit, para25.



جهت حمایت از منافع شخصی افراد نباشند بلکه هدف باید منافع عمومی باشد (کوچ نژاد، ۱۳۸۳: ۱۷۶).

ز) شفافیت‌سازی حکومت

واقعیت این است که اگر قرار باشد افراد جامعه نقش فعالانه‌تر و مسئولیت‌های بزرگ‌تری در سازماندهی جامعه بر عهده بگیرند، لاجرم باید ابزار این کار را نیز در اختیار داشته باشند. آنان باید بتوانند بر پایه اطلاعات قابل اتکا، آزادانه اندیشه کنند و به تبیین و تدوین نظرهای خود بپردازند. این رویکرد مستلزم تغییراتی در نقش تاریخی دولت است. پیش از این دولت‌ها به طور انحصاری و صرفاً بنا بر هدف‌های خود به تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌پرداختند، در حالی که اکنون باید دانش خود را با عموم به اشتراک بگذارند. آزادی اطلاعات متضمن یک قاعده مرسوم است: شهروندان ضرورتی به اثبات حق خود در دسترسی به اطلاعات ندارند، بلکه به عکس حکومت‌ها باید هر گونه امتناع از در اختیار عموم نهادن اطلاعات را توجیه کنند. از همین رو «رفتار آشکار»، اصل راهنمای دولت نوین شمرده می‌شود. آزادی اطلاعات، دولت‌ها را از نهادهایی که به طور سنتی کار خود را در خفا به انجام می‌رسانند به نهادهای شفاف، تغییر ماهیت می‌دهد (نمک دوست تهرانی، ۱۳۸۳: ۷۰). شفافیت یک اصطلاح سیاسی است که شکل حقوقی نیز به خود گرفته است. همان‌طور که برخی صاحب‌نظران یادآور شده‌اند، مفهوم شفافیت از لایه‌ها و طبقات مختلفی تشکیل شده و در زمینه‌های مختلف پیچیدگی‌های خاصی پیدا می‌کند (انصاری، ۱۳۸۷: ۳۴).

رسانه‌های فراملی رودرروی حاکمیت و امنیت ملی

عبور امواج ماهواره‌ای از مرزهای کشورها نقض آشکار حاکمیت ملی آنهاست (Price2008: 247). ادعای نقض حاکمیت کشورها توسط ماهواره‌ها برای رسانه‌ای مانند اینترنت نیز صدق می‌کند، زیرا اینترنت هم به راحتی از مرزهای کشورها عبور می‌کند. سایت‌های اینترنتی می‌توانند تصاویر مستقیم و مستندی از درون کشورها ارائه دهند (نقیب السادات، ۱۳۸۷: ۱۲۵). گوگل ارث^۱ پدیده نوینی است که به راحتی درون قلمرو کشورهای جهان را به مخاطبان خود نشان می‌دهد. پس از سال ۲۰۰۵ هر روز امکانات گوگل ارث کامل‌تر و پیشرفته‌تر شده است (Kumar, 2010: 159).



1 . Google Earth

لینک‌هایی مانند گوگل ارث چالشی جدی برای دولت‌ها هستند و در این میان حق حاکمیت کشورها نادیده انگاشته می‌شود.

جنگ رسانه‌ای و مقابله کشورها با آن

رسانه‌ها به عنوان ابزار و کانال انتقال پیام می‌توانند با کاربردهای آموزشی، تبلیغاتی، سیاسی، سرگرم‌کنندگی و خبری در اولویت قرار گیرند و در حیطه تبلیغات (سیاسی و فرهنگی) در خدمت برقراری صلح یا تشدید جنگ برای متقاعدسازی افکار عمومی سازماندهی شوند (مرتضوی، ۱۳۸۷: ۷۸). شاید مهم‌ترین وظیفه رسانه، انتقال اطلاعات باشد؛ اما رسانه وسیله‌ای صرف برای انتقال اطلاعات نیست. رسانه می‌تواند افکار عمومی، هویت و ... را خلق کند یا تغییر دهد. رسانه قادر است احساس مشترکی را که ایجاد کرده است تهییج کند و موجب تحریک طیف عظیمی از مخاطبان خود شود (Cheliotis, 2010: 171; Graham, 2010: 429). رسانه در تحریک و تهییج، آماده‌سازی و اقناع افکار عمومی برای آغاز، پیشبرد و پایان جنگ نقش دارد و فرماندهی نوعی از مهم‌ترین و اثربخش‌ترین جنگ‌ها یعنی جنگ روانی را عهده‌دار است (Okello-Orlale, P. 3). بنابراین رهبران سیاسی در تلاش برای حفظ اجماع نظر عمومی درباره منازعه، ناگزیرند شیوه پوشش رسانه‌ای مربوط به منازعه را مدیریت کنند (سلطانی فر، ۱۳۸۷: ۳۳). رسانه‌های نوین فراملی به طور بحث‌انگیزی چالشی جدی را برای دولت‌ها ایجاد کرده‌اند. قدرت آنها فیزیکی نیست. گرچه ابزارهای فیزیکی مانند کامپیوتر، تلویزیون و ... دارند، ولی قدرت اصلی آنها غیرفیزیکی است مانند تأثیری که بر اذهان مخاطبان می‌گذارند.

جنگ رسانه‌ای

جنگ رسانه‌ای^۱ یکی از انواع جنگ‌های نرم^۲ است که در آن سربازان میدان نبرد خبرنگاران، گزارشگران، سردبیران و نویسندگان رسانه‌های مختلف اعم از مکتوب (روزنامه‌ها و مجلات)، صوتی و تصویری (رادیو و تلویزیون)، ماهواره‌ای و بین‌المللی (شبکه‌های ماهواره‌ای و خبرگزاری‌ها) و اینترنتی و الکترونیکی (سایت‌های اینترنتی و روش‌های الکترونیکی انتقال پیام) هستند.

1 . Media War

2 . Soft War



بنیادی‌ترین تعریف از جنگ رسانه‌ای استفاده از رسانه‌ها برای تضعیف کشور هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت آنها (اعم از مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون و اینترنت) به منظور دفاع از منافع ملی است. جنگ رسانه‌ای یکی از جنبه‌های برجسته جنگ نرم و جنگ‌های جدید بین‌المللی است که عمدتاً هنگام درگیری‌های نظامی کاربرد بیشتری پیدا می‌کند؛ اما به آن مفهوم نیست که در سایر مواقع چنین جنگی در جریان نباشد یا مورد استفاده قرار نگیرد. جنگ رسانه‌ای تنها جنگی است که حتی در شرایط صلح نیز به صورت غیررسمی ادامه می‌یابد و هر کشوری با حداکثر توان برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش از رسانه‌ها بهره می‌گیرد. سربازان جنگ رسانه‌ای، کارشناسان تبلیغات، استراتژیست‌های تبلیغات بین‌المللی و کارگزاران رسانه‌ها هستند. جنگ رسانه‌ای ظاهراً میان رادیو و تلویزیون‌ها، مفسران مطبوعاتی، خبرنگاران خبرگزاری‌ها، شبکه‌های خبری و پایگاه‌های اینترنتی جریان دارد؛ اما واقعیت آن است که پشت این جدال ژورنالیستی، چیزی به نام سیاست رسانه‌ای یک کشور^۱ نهفته است که به طور مستقیم از بودجه‌های رسمی مصوب پارلمان‌ها یا بودجه‌های سری سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی یا جاسوسی تغذیه می‌شود (ضیایی‌پرور، ۱۳۸۹: ۱۱). ناگفته نماند در جنگ‌های دو دهه گذشته، به خصوص در جنگ آمریکا و عراق، نقش رسانه به عنوان یکی از ابزارهای قدرتمند جنگی در کنار سایر ادوات جنگی کاملاً نمایان بوده است. آمریکایی‌ها از رسانه برای ترساندن و همچنین منحرف کردن افکار عمومی استفاده می‌کردند (Erni, 2009: 867).

مراحل جنگ رسانه‌ای

طرح جنگ رسانه‌ای دارای سه مرحله پیش از جنگ، حین جنگ و پس از جنگ است. در مرحله پیش از جنگ، وظیفه طرح جنگ رسانه‌ای، آماده‌سازی افکار عمومی داخلی و منطقه‌ای، افکار عمومی بین‌المللی و افکار عمومی کشور هدف برای آغاز حمله نظامی است. همچنین رسیدن به آمادگی‌های لازم برای حضور و ایفای نقش در مرحله حین جنگ، از جمله برنامه‌های مرحله اول است. در مرحله دوم (حین جنگ) فن بمباران خبری و اطلاعاتی به کار گرفته می‌شود و در لابه‌لای میلیون‌ها خبر، گزارش و بسته رسانه‌ای، واقعیت‌ها پنهان نگه داشته یا تحریف می‌شود، یا براساس تمایلات و منافع کشور حمله‌کننده به آن جهت داده می‌شود. در مرحله آخر یعنی



در مرحله پس از جنگ، عمده‌ترین وظیفه رسانه‌ها توجیه وضعیت موجود و تلاش برای تثبیت موقعیت به دست آمده است. مأموریتی که رسانه‌های آمریکایی پس از پایان جنگ آمریکا و عراق انجام دادند، جزء مرحله آخر جنگ رسانه‌ای قرار می‌گیرد (نقیب‌السادات، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

جنگ نرم

جنگ نرم در برابر جنگ سخت^۱ در حقیقت شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که جامعه را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و تیراندازی، رقیب را به انفعال یا شکست وامی‌دارد. جنگ نرم در پی از پای درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی- اجتماعی حاکم تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کند. به گفته جین شارب، مغز متفکر براندازی نرم، تئورسین روش‌های ۱۹۸ گانه نافرمانی مدنی و همچنین مدیر مؤسسه آمریکایی آلبرت انیشتین، هدف جنگ نرم تغییر دولت‌های نامطلوب یا فروپاشی حکومت‌ها و کسب قدرت سیاسی است و به صلح‌طلبی، اعتقادات اخلاقی و مذهبی ربطی ندارد. جنگ نرم گزینه‌ای به جای جنگ سخت و مسلحانه برای رویارویی با حکومت‌های مد نظر است (رنجبران، ۱۳۸۹: ۲۹). در سال‌های پایانی جنگ سرد، اولین پروژه براندازی نرم در لهستان با رهبری لخ والسا^۲ در جنبش کارگری این کشور تحقق یافت و با فروپاشی شوروی و یوگسلاوی و چند کشور دیگر اروپای شرقی، براندازی نرم به پارادایم جدیدی در حوزه قدرت و امنیت تبدیل شد. در این سال‌ها مفاهیمی در گفتمان امنیت ملی کشورها وارد شد که تفاوت ماهوی و شکلی عمیقی با گفتمان‌های پیشین داشت؛ زیرا آنچه قدرت حفاظتی یا تهدیدزدایی برای امنیت ملی کشورها محسوب می‌شد، بیشتر از مفهوم قدرت سخت و جنگ‌افزارهای نظامی، نوع جنگ‌افزارها، قدرت برد و ... ناشی می‌شد؛ اما تحولات پیش‌گفته نشان داد که قدرت تنها از مؤلفه‌های سخت ناشی نشده است و آنچه موجب سرنوشت این دولت‌ها شد بعد دیگری از قدرت، یعنی قدرت نرم بود (رنجبران، ۱۳۸۹: ۲۳).

1 . Hard War

2 . Lech Wałęsa



اهداف جنگ نرم

اگر جنگ را یک نوع مقابله و کشمکش بین دو طرف تصور کنیم که در آن هر یک از طرفین به دنبال اهدافی است، جنگ نرم هم از این قاعده مستثنی نیست. مهم‌ترین هدف جنگ نرم را باید ایجاد تغییر در باورها و اعتقادات جامعه هدف جنگ نرم دانست؛ بدان علت که کسانی که می‌خواهند در مسیر حرکت یک ملت و جامعه خلل یا تغییری ایجاد کنند، باید سراغ تغییر باورها و اعتقادات آنان بروند. اهداف دیگر جنگ نرم ایجاد تغییر در اندیشه‌ها و همچنین ایجاد تغییر در رفتار یک جامعه است که هریک از اهداف مذکور، ایجاد تغییر در ایدئولوژی ملت‌ها را دنبال می‌کند (رنجبران، ۱۳۸۹: ۳۳). اما هدف نهایی در جنگ نرم علیه یک ملت، ایجاد تغییر و دگرگونی در ساختار سیاسی آن جامعه و جایگزین کردن ساختاری جدید است. در یک جامعه مردم در شرایطی با نظام سیاسی خود با بحران مواجه می‌شوند که دیگر آن را مشروع ندانند و از نظر آنان، مسئولان سیاسی مقبولیت خود را از دست داده باشند. بنابراین مشروعیت‌زدایی و مقبولیت‌زدایی برای ایجاد بحران، ناآرامی و بی‌ثبات‌سازی در جامعه هدف از مؤلفه‌های ویژه جنگ نرم به حساب می‌آید. هر گاه یک نظام سیاسی مشروعیت و مقبولیت خود را بین ملت‌ش از دست بدهد، به راحتی زمینه‌های لازم برای تغییر آن ساختار و نظام سیاسی و جایگزین شدن یک نظام و ساختار جدید فراهم می‌شود (رنجبران، ۱۳۸۹: ۳۴).

بحران‌سازی رسانه‌های فراملی

تسلط بر رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها قدرت عظیم و فوق‌العاده‌ای به بازیگران صحنه‌های سیاسی و دولتی بخشیده است، به گونه‌ای که با به کارگیری اهرم‌های خبری و اطلاعاتی قادر به تغییر باورها و نگرش‌های جمعی یا شکل‌دهی به افکار عمومی، ملی و فراملی شده‌اند. علاوه بر این، سوءاستفاده گروهی به عنوان ارباب رسانه‌ای، آنها را قادر ساخته است به مستبدان اطلاعاتی تبدیل شوند (عیوضی، ۱۳۸۷: ۵۹). به همین دلیل، امروز بحث از امپریالیسم خبری، قدرت‌های اطلاعاتی، دارندگان رسانه‌ای به ویژه در پرتو انقلاب اطلاعاتی، رواج گسترده‌ای پیدا کرده است. خبرگزاری‌ها در رسانه‌های جمعی و خصوصی با اتکا به فناوری، به ارائه چهره‌ای مخدوش از برخی حکومت‌ها، فرهنگ‌ها، اقوام یا ادیان می‌پردازند و به شکلی نظام‌مند در ایجاد بحران،



جهت‌دهی به افکار عمومی جهانی و شکل‌گیری عقاید و گرایش‌ها و رفتارهای مد نظر خود تلاش می‌کنند. چند دهه پیش نیز مارشال مک لوهان^۱ کانادایی پیش‌بینی کرده بود جنگ‌های آینده با تسلیحات جنگی و در میدان‌های نبرد رخ نخواهد داد؛ بلکه این جنگ‌ها با تصوراتی رخ خواهند داد که رسانه‌های جمعی به مردم القا می‌کنند (عیوضی، ۱۳۸۷: ۶۰). تأثیر رسانه‌ها بر بحران، آنجا اهمیت ویژه می‌یابد که افکار عمومی از حالت تعادل خارج شود و امنیت ذهنی و به دنبال آن امنیت اجتماعی بر هم بخورد. افکار عمومی را نمی‌توان دید و اندازه گرفت، اما قدرت و نفوذ آن قابل درک است. از این رو می‌توان گفت افکار عمومی نوعی داوری، قضاوت، ارزیابی یا اظهار عقیده گروه‌های اجتماعی یا عامه درباره یک واقعه است که به صورت پدیده‌ای اجتماعی مورد توجه نظام تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد، هرچند ممکن است صحیح نباشد.

یکی از مؤثرترین وسایل در شکل‌دهی به افکار عمومی، رسانه‌ها فراملی هستند. در دنیای امروز، دستکاری افکار عمومی یکی از حربه‌های اصلی اداره‌کنندگان رسانه‌های فراملی است و صاحبان رسانه‌های مذکور با استفاده از این ابزار، هدایت و کنترل افکار عمومی را در جهت تغییرات مطلوب خود به دست می‌گیرند. در هر زمان یا هر محل که اداره‌کنندگان رسانه، هدایت افکار عمومی را با تمهیدات و فنون تولید پیام به دست بگیرند، می‌توانند شرایط بحرانی را در آن زمان یا محل ایجاد کنند (عیوضی، ۱۳۸۷: ۶۰). کاریکاتور موهن مجله دانمارکی از پیامبر اکرم (ص) که در سال ۲۰۰۵ منتشر شد نشان‌دهنده تأثیر عمیق و قدرت فوق‌العاده رسانه‌های فراملی در ایجاد بحران است.

بحران‌سازی از طریق ماهواره‌ها

گسترش ماهواره‌های پخش مستقیم^۲ برای دولت‌ها بسیار چالش‌انگیز است و مدیریت و کنترل دولت‌های ملی را بر شهروندان خود با بحران مواجه می‌کند. مردم به راحتی با گیرنده‌های ماهواره برنامه‌های ماهواره‌ای را دریافت می‌کنند. هم اکنون بیش از پنجاه هزار ماهواره در فضای اطراف زمین در گردش هستند. البته تعدادی از آنها از کار افتاده و تنها به صورت توده‌های فلزی بی‌مصرف درآمده‌اند، اما تعداد کثیری هنوز در تمام ساعات شبانه‌روز سرویس‌های مخابراتی و تلویزیونی بین‌قاره‌ای را تأمین می‌کنند. کانال‌های تلویزیونی خبری مانند سی‌ان‌ان، بی‌بی‌سی، الجزیره و کانال‌های ماهواره‌ای

1 . Marshal McLuhan

2 . DBS



خبری دیگر ۲۴ ساعته به سرعت اخبار را به سراسر دنیا مخابره می‌کنند. ما در دو دهه گذشته شاهد رشد فزاینده کانال‌های خبری ماهواره‌ای بوده‌ایم (Lord, 2006: 7). امروزه ماهواره‌های ارتباطی قادرند به صورت مستقیم، یک‌سوم سطح زمین را زیر پوشش قرار دهند و با برخورداری از تکنولوژی‌های بسیار پیشرفته به مشاهده، ثبت و گزارش هرگونه حرکتی روی کره زمین بپردازند.

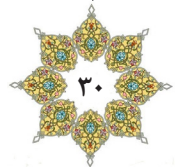
یکی از تهدیدکننده‌های جدی امنیت ملی استفاده از ماهواره‌های جاسوسی است. کشورهای اندکی که در رأس آن آمریکا قرار دارد، بیشترین استفاده را از این فناوری در جمع‌آوری اطلاعات محرمانه نظامی، سیاسی، صنعتی، اقتصادی و ... می‌برند. وزارت دفاع آمریکا قبل از آغاز حمله به عراق رسماً اعتراف کرده بود ماهواره‌ها درباره نخستین جابه‌جایی ارتش عراق هشدار داده‌اند. بنابراین هنگامی که ماهواره‌ها جولانی مدام را بر گرد زمین آغاز کردند، تنها به عبور و حضور در فضای فراجو بسنده نکردند، بلکه کم‌کم ورودی دزدانه و نامرئی به خلوتگاه حاکمیت ملی دولت‌ها یافتند. توانایی شگفت‌انگیز ماهواره‌ها در گستراندن سایه بر بخش پهناوری از زمین و ارسال سیگنال‌های حامل برنامه‌های تلویزیونی به سراسر کره خاکی، ابزاری مناسب و شمشیری برنده در دستان مهاجمان عنان‌گسسته‌ای شد تا در روشنایی سیارات آتشین کهکشان به «راهزنی ماهواره‌های» یا «تجاوز سیگنالی» بپردازند و پنهان و آشکارا در امور اجتماعی، فرهنگی و سیاست داخلی کشورها دخالت کنند و باورها و ارزش‌های دینی و اخلاقی و سنت بومی و ملی ملت‌های مختلف را به چالش بکشند (بردبار، ۱۳۸۱: ۱۵۱-۱۵۲).

بحران‌سازی از طریق اینترنت

اینترنت، رسانه جدیدی است که امکانات فوق‌العاده و خاصی دارد که به راحتی قادر به ایجاد بحران می‌شود. برای مثال سازمان‌های حقوق بشری (مانند سازمان عفو بین‌الملل،^۱ دیده‌بان حقوق بشر^۲ و ...) از طریق اینترنت می‌توانند برای دولت‌ها چالش بسیاری ایجاد کنند. برای نمونه عفو بین‌الملل در سال ۱۹۹۷ اسامی ۲۰۰۰ زندانی سیاسی را در چین منتشر کرد. همین کافی است که در کل دنیا این خبر اطلاع‌رسانی شود و چهره آن کشور را در جامعه بین‌المللی مخدوش کند (Brophy and

1 . Amnesty International

2 . HRW



354: Halpin, 1999). امروزه خبرگزاری‌های اینترنتی بین‌المللی یکی از عمده‌ترین ابزارهای بحران‌سازی رسانه‌ای در جهان محسوب می‌شوند. این خبرگزاری‌ها (مانند آسوشیتدپرس^۱ و یونایتدپرس^۲ و...)، هر روزه با تولید میلیون‌ها کلمه خبر و مخابره آن با پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های ارتباطاتی، فرایند اطلاع‌رسانی جهانی را تحت نفوذ و کنترل خود دارند. آنها می‌توانند با سانسور یک خبر یا دادن پوشش وسیع به یک رویداد، افکار عمومی جهان را له یا علیه آن مسئله‌های برانگیزند. اهمیت خبرگزاری‌ها زمانی آشکار می‌شود که بدانیم اکثر مطبوعات، خبرگزاری‌های ملی و منطقه‌ای و شبکه‌های رادیو تلویزیونی، اخبار و اطلاعات عمده خود را از این آژانس‌های خبری دریافت می‌کنند (ضیایی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۴۰).

کنترل رسانه‌های فراملی

در حقوق بین‌الملل هیچ توافق‌نامه و معاهده واحدی در ارتباط با رسانه‌های فراملی وجود ندارد که همه دولت‌ها از آن تبعیت کنند و به همین دلیل سیاست کشورهای مختلف در قبال شبکه‌های مذکور واحد نیست. دیگر اینکه پیشرفت تکنولوژی به اندازه‌ای است که دولت‌ها نمی‌توانند خود را با آن وفق دهند و قانونی را در ارتباط با آن وضع کنند (Krasner, 1991: 349). بدین ترتیب از اواسط دهه ۹۰ برخی دولت‌ها و مؤسسات بین‌المللی با وضع قوانینی درصدد کنترل و نظارت بر اینترنت برآمدند و اکثر آنها در این کار موفق شدند. از سویی لزوم مبارزه با تروریسم و حفظ امنیت که پس از یازدهم سپتامبر بیشتر احساس شد، این روند را تسریع کرد (Cornwell and Roberts, 2010: 2; Conway, 2007: 26). در عصر کنونی دولت‌ها به کنترل اینترنت و ماهواره به وسیله فیلتر کردن سایت‌ها و پازاریت روی شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای مبادرت می‌ورزند که می‌تواند مانعی برای آزادی بیان و گردش آزاد اطلاعات باشد (Galbi, 2001, 1; Lord, 2006: 97). در حال حاضر دست‌کم ۳۰ کشور به بستن و فیلترینگ سایت‌ها می‌پردازند و هر روز تعداد این کشورها افزایش می‌یابد. در سراسر جهان، دولت‌ها با وضع قوانینی درصدد کنترل و محدود ساختن ماهواره و به خصوص اینترنت برآمدند. بسیاری از دولت‌ها به نظارت بر اینترنت پرداختند و سعی کردند این فناوری ارتباطی را تحت نفوذ خود درآورند (Cottle and Rai, 2006: 165; Visner, 2009: 5).

1 . AP

2 . UP



کنترل و نظارت بر اینترنت

اینترنت تنها در کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای رویکرد مخالف آزادی بیان تهدید نمی‌شود، بلکه آزادی این ابزار در غرب نیز که خود را مهد دموکراسی می‌داند به صورت وسیع در خطر است. تصویب قوانین متعدد به بهانه مبارزه با تروریسم، کاربران اینترنت را به شدت تحت فشار قرار داده است. دولت‌های غربی درصددند ایمیل‌های کاربران را مشاهده و مطالب منتشره توسط کاربران در اینترنت را توسط نرم‌افزارهای مختلف کنترل کنند. به دستور دولت‌های اروپایی، سازمان‌های سرویس‌دهنده اینترنت موظف به نصب نرم‌افزارهای خاصی شده‌اند که در نهایت این شرکت‌ها را به نیروی پلیس اینترنت تبدیل می‌کند.

کنترل و نظارت بر ماهواره

در خصوص ماهواره‌ها وضعیت کمی بهتر از اینترنت است و دولت‌ها کمتر می‌توانند مانع پخش برنامه‌های ماهواره‌ای شوند؛ با وجود این بسیاری از دولت‌ها موانعی برای ارسال سیگنال‌های ماهواره‌ای ایجاد می‌کنند، برخی از کشورها (عمدتاً اروپایی) نیز محدودیت‌های کمتری به کار گرفته‌اند که شامل دریافت مالیات از دارندگان وسایل دریافت برنامه‌های ماهواره‌ای می‌شود. روش مذکور شاید برای قشرهای متوسط و رو به بالای جامعه مشکلی ایجاد نکند، اما می‌تواند قشرهای کم‌درآمد را از دسترسی آزادانه به برنامه‌های ماهواره‌ای دور کند. ارسال پازیت^۱ راهکار دیگری است که برخی کشورها از آن استفاده می‌کنند. برای نمونه می‌توان به مقابله دولت کوبا با سیگنال‌های ماهواره‌ای که ماهواره‌های آمریکایی ارسال می‌کنند، اشاره کرد (Krasner, 1991: 348).

مصادیق تأثیر رسانه‌های فراملی در فرسایش و براندازی نرم نظام سیاسی کشورها رسانه‌های فراملی قادرند دولت‌ها را با چالش‌های جدی مواجه کنند؛ به خصوص با پیدایش و گسترش ماهواره‌ها و اینترنت که در عمل، مرزهای جغرافیایی را از بین برده و با پخش فرامرزی، اصل حاکمیت دولت‌ها را نادیده گرفته‌اند. مواجه کردن نظام‌های سیاسی با چالش مشروعیت و مقبولیت در افکار عمومی، مورد تردید قرار دادن کارآمدی آنها، بی‌اعتماد کردن مردم به مسئولان و رسانه‌های خودی و اختلال



1 . Jamming

در نظام ارتباطی دولت-ملت گوشه‌های از تأثیر فوق‌العاده رسانه‌های فراملی در تضعیف و براندازی نرم حاکمیت دولت‌هاست (سلطانی فر، ۱۳۸۷: ۳۲). در اینجا به مصادیق تضعیف و اضمحلال حاکمیت کشورها از طریق رسانه‌های فراملی می‌پردازیم. اول نقش رسانه‌های فراملی در برخی انقلاب‌های رنگی و سپس فتنه سال ۱۳۸۸ در ایران را بررسی می‌کنیم.

۱. انقلاب‌های رنگی

انقلاب از لحاظ لغوی عبارت از برگشتن، برگشتن از حالی به حال دیگر، دگرگون شدن، آشوب و شورش است. از حیث مفهومی نیز انقلاب به گونه‌ای از کنش سیاسی جمعی و توده‌ای گفته می‌شود که در قالب منازعه‌های خشونت‌آمیز برای قبضه قدرت دولتی درون واحد سیاسی مستقلی شکل می‌گیرد. بنابراین، نزاع‌های انقلابی نیازمند سازماندهی، رهبری و ایدئولوژی برای انجام شدن است و اصولاً سطحی از خشونت را همراه دارد (شبان فاریابی، ۱۳۸۷: ۱۳۸)؛ اما انقلاب رنگی^۱ که به انقلاب مخملی^۲ نیز شهرت دارد، یکی از مصادیق براندازی نرم است. عنوان «انقلاب رنگی» اصولاً به انقلاب‌های آرام در شرق اروپا و آسیای میانه که به انقلاب‌های بدون خشونت معروف شده‌اند، اشاره دارد (کولایی، ۱۳۸۴: ۵۸). وجه مشترک تمام این حرکات، مبارزات منفی است که عمدتاً ضد حکومت‌هایشان که خود را متعصب و دیکتاتوری نشان داده‌اند، به کار گرفته می‌شود. مخالفین به طور کلی از آزادی دفاع کرده‌اند. معمولاً یک رنگ یا گلی خاص به عنوان نماد مورد استفاده قرار گرفته است. ارکان تشکیل‌دهنده چنین انقلابی را جنبش‌های اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی و رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های فراملی تشکیل می‌دهند. اکنون به خوبی ثابت شده است که رسانه‌های فراملی نقش بسیار مهمی در این انقلاب‌ها بازی کرده‌اند (Howison, 2006: 4)؛ در حالی که به نقش رسانه‌های فراملی در شکل‌گیری انقلاب و براندازی حکومت کمتر توجه شده است.

با کمی تأمل در تمام انقلاب‌های رنگی و مخملی به خوبی می‌توان نقش برجسته رسانه‌های فراملی را به عنوان رکن بی‌بدیل انقلاب‌های مذکور مشاهده کرد. در این اینجا به طور خلاصه نقش رسانه‌های فراملی را در انقلاب‌های رنگی گرجستان (۲۰۰۳) و اوکراین (۲۰۰۴) بررسی می‌کنیم.

1 . Color Revolution

2 . Velvet Revolution



الف) انقلاب گل رز^۱ گرجستان

انقلاب گرجستان در پی اعتراضات به انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۳ اتفاق افتاد. پس از انتخابات با اعلام نتایج اولیه انتخابات از سوی کمیسیون مرکزی انتخابات، احزاب مخالف به نتایج اعلام شده اعتراض کردند؛ اما رئیس جمهور گرجستان، ادوارد شوارندادزه^۲ بی اعتنا به این مخالفت ها، فرمان تشکیل اولین جلسه پارلمان را صادر کرد. در جریان برگزاری این مراسم میخائیل ساکاشویلی^۳ و همراهانش با در دست داشتن شاخه ای گل رز وارد مجلس شدند و در طول سخنرانی ادوارد شوارندادزه با صدای بلند استعفا و خروج وی از پارلمان را درخواست کردند. با آغاز درگیری، نمایندگان مخالف و طرفداران شان وارد مجلس شدند و آن را به تصرف کامل درآوردند. به دنبال این رویداد، شوارندادزه حالت فوق العاده اعلام کرد، اما با مقاومت نیروهای مخالف و سقوط سایر نهادها و سازمان های دولتی، رئیس جمهور ظرف ۴۸ ساعت مجبور به استعفا شد (مجیدی و سوری، ۱۳۸۷: ۳۴۶).

شبکه های تلویزیونی ماهواره ای و در رأس آنها شبکه «روستای ۲» در این زمینه نقش اساسی داشتند. شبکه تلویزیونی روستای ۲ که در سال ۱۹۹۴ تأسیس شد، با کمک های دولت آمریکا به شبکه ای حرفه ای و مستقل تبدیل شد و طی مدت اندکی صدها هزار مخاطب گرجی را جذب کرد. روستای ۲ با برنامه های متنوع و مختلف، اوضاع سیاسی و اجتماعی در کشور را نقد می کرد و تنها کانالی بود که گزارش های بحث انگیزی درباره توسعه سیاسی و اجتماعی، قیمت اقلام اساسی و ... پخش می کرد. این شبکه با میزگردهایی در زمینه فساد دولتی، قاچاق و ... دولت را با بحران مواجه می کرد. کمی قبل از انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۳ شبکه روستای ۲ فعالیت های خود را در زمینه انتخابات آغاز کرد. رویدادهای انقلاب را لحظه به لحظه منتشر می کرد. این شبکه با زیرنویس های مداوم ۲۴ ساعته در پخش برنامه های مختلف، اخبار انتخابات را پوشش گسترده ای داده بود و تشویق کننده اصلی مردم در مخالفت ها و اعتراضات ضد حکومت شوارندادزه بود (عسگری، ۱۳۸۶: ۱۰۲). این شبکه ۱۰ روز قبل از انتخابات با حمایت مؤسسه جرج سوروس (جرج سوروس طراح اصلی انقلاب های مخملی و بنیان گذار مؤسسات زنجیره ای سوروس است. این مؤسسات در کشورهای مختلف جهان به بهانه ترویج و تشویق دموکراسی، میلیاردها دلار هزینه یا به تعبیر

1 . Rose Revolution

2 . Eduard Shevardnadze

3 . Mikheil Saakashvili



خود، کمک مالی کرده‌اند. اما هزینه کردن مبالغ سنگین مالی این مؤسسات نوعی سرمایه‌گذاری برای تضعیف و براندازی نرم حکومت‌هایی است که نفع آنها در نبود و نابودی آن حکومت‌هاست.) فیلم مستند «پایین آوردن یک دیکتاتور» را که درباره انقلاب صربستان بود، پخش کرد. این فیلم جزئیات عملکرد صرب‌ها را در انقلاب آرام ضد میلوسوویچ به تصویر می‌کشید که تأثیر زیادی در انقلاب رنگی گرجستان داشت. اینترنت نیز مانند ماهواره نقش فعالی در انقلاب رز داشت. قبل از سقوط شواردنازه، مخالفان گرجی از طریق ایمیل با یکدیگر در ارتباط بودند. آنها همچنین به جنبش مقاومت صربستان ایمیل می‌زدند و از آنها برای موفقیت در انقلاب کمک می‌گرفتند (شبان فاریابی، ۱۳۸۷: ۱۴۶).

ب) انقلاب نارنجی^۱ اوکراین

انقلاب نارنجی اوکراین نیز مانند انقلاب گل رز گرجستان در پی انتخابات اعتراض آمیز رخ داد. اعلام پیروزی ویکتور یانوکوویچ^۲ بر رقیب خود ویکتور یوشچنکو^۳ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ اوکراین باعث اعتراضات گسترده‌ای شد. بلافاصله بعد از پایان انتخابات ادعا شد که در انتخابات فسادهای گسترده مالی، ارباب و تهدید رأی‌دهندگان و تقلب مستقیم انجام گرفته است. به دنبال این رویداد، کیف پایتخت اوکراین کانون اعتراضات با روزانه هزاران تظاهرات کننده شد. از آنجا که رنگ نارنجی به عنوان سمبل طرفداری از یوشچنکو بود، مردم در تظاهرات‌شان به صورت‌های مختلف (روبان، شال گردن، پرچم، بازوبند و ...) از رنگ نارنجی استفاده کردند. پس از ۶ روز تظاهرات عظیم حامیان یوشچنکو، دادگاه عالی اوکراین نتیجه انتخابات را (که در آن یانوکوویچ برنده اعلام شده بود) مخدوش و ملغی اعلام کرد و با برگزاری دوباره انتخابات که زیر نظر موشکافانه ناظران داخلی و بین‌المللی بود، ویکتور یوشچنکو با کسب ۵۲ درصد آرا قدرت را در دست گرفت (Karatnycky, 2005: 1). عوامل متعددی در حضور توده‌های مردم با وجود سرمای شدید و جنبش نافرمانی مدنی آنها نقش داشت. از جمله این عوامل می‌توان به نقش فوق‌العاده رسانه‌های فراملی اشاره کرد. بهره‌گیری از اینترنت و استقبال شدید مردم از این رسانه فراملی نقش زیادی در منسجم شدن فعالان جنبش نارنجی داشت. به علاوه اطلاع‌رسانی وسیع و گسترده

- 1 .Orange Revolution
- 2 .Viktor Yanukovich
- 3 .Viktor Yushchenko



شبکه‌های ماهواره‌ای مانند بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان، یورونیوز و ... در خصوص انتشار اخبار اعتراض‌ها و بزرگ‌نمایی آن علیه دولت، باعث تضعیف حکومت و قوت گرفتن انقلاب شد (Karatnycky, 2005: 6).

۲. انتخابات دهم و شکل‌گیری فتنه سبز سال ۱۳۸۸

الف) قانون‌های مدیریت خارجی

فتنه سال ۸۸ - در بعد خارجی- از سال‌ها قبل از ۸۸ طراحی و دنبال شده بود. یکی از نشانه‌ها این است که سناتور مک کین، کاندیدای جمهوری خواهان، در انتخابات سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۴ ش) دقیقاً به «جنبش سبز» با همین نام! اشاره می‌کند و می‌گوید: «در ایران نظام را با جنبش سبز منهدم می‌کنیم». این ادبیات در دوره اوباما، به‌رغم آنکه توقع نمی‌رفت، استمرار پیدا کرد. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، دست‌کم ۸ «دفتر ویژه» در دبی، بگرام، بیشکک، باکو، سلیمانیه، آمستردام، لندن و واشنگتن به منظور ارتباط‌گیری، هماهنگ‌سازی، آموزش و تجهیز به مرور و در فاصله سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۸ راه افتادند. این دفاتر بعضاً زیر نظر سیا و تعدادی نیز زیر نظر پنتاگون - وزارت دفاع - فعالیت می‌کردند و در این میان دفتر دبی استثنائاً مستقیماً زیر نظر معاون اول رئیس‌جمهوری آمریکا فعالیت می‌کرد. اسناد می‌گویند این دفاتر به سرشاخه‌هایی در تهران وصل بوده‌اند و از طریق این سرشاخه‌ها، نخبگان در حوزه‌های مختلف را شناسایی کرده و به این دفاتر می‌کشانده‌اند. ورزشکاران، هنرمندان، پزشکان، مهندسان، استادان دانشگاه، روزنامه‌نگاران، صنعتگران، بانوان، فعالان عرصه صنعت، تشکل‌های کارگری، فعالان سیاسی، احزاب و... که تعدادشان از ده‌ها هزار نفر فراتر می‌رفت، به مرور به این دفاتر منتقل شدند و در یک برنامه چند لایه و چند مرحله توجیه و هماهنگ شدند و در نهایت به عنوان پیشتازان تحول در نظام سیاسی ایران مورد استفاده قرار گرفتند. سرپل‌های این «دفاتر ویژه» همان حلقه‌هایی بودند که در دوره خاتمی در دستگاه‌های مختلف فعالیت می‌کردند و سکولاریزه کردن نظام و جامعه ایران در دستور کارشان بود.

علاوه بر این دفاتر ویژه، دست‌کم ۱۷ سفارتخانه غربی شامل سفارتخانه‌های انگلیس، کانادا، استرالیا، فرانسه، آلمان، هلند، بلژیک، سوئیس، دانمارک، فنلاند، کره جنوبی، ژاپن و ... به جمع‌آوری اطلاعات حساس، ارتباط هدفمند با برخی مراکز نظام، برگزاری جلسات با بعضی نخبگان سیاسی مخالف نظام دینی، تهیه و تجزیه و



تحلیل‌های دوره‌ای و سنجش درجه و ماهیت تغییرات در جامعه ایران مشغول بودند. بعضی از این سفارتخانه‌ها به خصوص سفارت انگلیس تجهیز مخالفان و پشتیبانی مالی از آنان را دنبال می‌کردند. این سفارتخانه‌ها در فتنه سال ۱۳۸۸ به صورت عملیاتی‌تر به مقابله با نظام اسلامی پرداختند، به گونه‌ای که بعضی از عوامل سفارتخانه‌های غربی به دلیل حضور مستقیم در آشوب‌های خیابانی بازداشت و محاکمه شدند.

محور سوم، مراکز مرتبط با سازمان جاسوسی آمریکا در واشنگتن است که به طور ویژه روی ایران کار می‌کنند و تعداد واقعی آنها مشخص نیست.

ب) ارتباط داخل و خارج

با مرور مسائل پس از انتخابات به خصوص در فاصله ۸ ماهه تیر تا بهمن ۱۳۸۸ این نکته کاملاً ثابت می‌شود که پیوند روشنی میان به صحنه آمدن هم‌زمان اصحاب فتنه در ایران و سران دولت‌های غربی وجود داشته است. حضور عناصر میدانی فتنه در رسانه‌های آمریکایی و محافل وابسته به سیا پس از رو به افول گذاشتن فتنه در ایران هم سند جداگانه‌ای برای اثبات این پیوستگی است. بعضی از این عناصر نظیر ابوالفضل فاتح، محسن مخملباف، محسن سازگارا و واحدی هنوز هم به عنوان رابط‌های سران فتنه با خارج به ایفای نقش علنی می‌پردازند و هیچ‌گاه سران فتنه نمایندگی آنان از سوی خود را که با صراحت از سوی آنان اعلام شده است، نادرست اعلام نکرده‌اند. حدود دو هفته بعد نیروی انتظامی ساختمانی متعلق به کمیته صیانت از آرا را در منطقه تجریش بازرسی کرد. در این بازرسی مشخص شد بی‌بی‌سی فارسی در این ساختمان استقرار داشته است. البته فعالیت مراکز غرب برای ایجاد فتنه ۸۸ بسیار بیش از این است. یک گزارش بیانگر آن است که حداقل ۱۹ مرکز مجرب و برخوردار از کارشناسان امور ایران در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ روی پروژه تغییر ایران متمرکز بودند و در ماه‌های منتهی به انتخابات تا یک سال پس از آن به حجم فعالیت خود به شدت افزودند. این مراکز شامل مؤسسه بروکینگز، شورای روابط خارجی، بنیاد صلح بین‌المللی کارنگی، بنیاد آمریکای جدید، بنیاد ملی برای دموکراسی، مرکز کارتر، بنیاد جامعه باز، مؤسسه سیاست خاور نزدیک واشنگتن، بنگاه رند، کمیته خطر کنونی، بنیاد دموکراسی در ایران، خانه آزادی، مرکز مطالعات استراتژیک و راهبردی، مؤسسه هادسون، بنیاد هریتیج، مؤسسه امریکن اینترپرایز، مؤسسه هدور، مؤسسه کیند و مرکز پیشرفت آمریکا می‌شود. بعضی از این مؤسسات از جمله بنیاد هریتیج و



مؤسسه سیاست خاور نزدیک واشنگتن حداقل ۴۰ نشست تخصصی درباره ایران برگزار و مسائل ایران را از نزدیک رصد کرده‌اند. در همه این مراکز تقریباً بدون استثنا بین ۳ تا ۵ نفر از عناصر ایرانی مرتبط با جریان فتنه همکاری داشته‌اند و این نیروها علاوه بر مشارکت در بحث‌ها و طرح‌ها، سایت‌هایی را به زبان فارسی برای کمک به انتقال پیام‌های فتنه‌گران راه‌اندازی کرده‌اند. این سایت‌ها متعلق به همان مراکز نوزده‌گانه بوده‌اند و شامل «گذار» متعلق به خانه آزادی به سردبیری فاطمه حقیقت‌جو، «توانا» متعلق به مرکز آزادی خاورمیانه، «پنجره» متعلق به بنیاد ملی برای دموکراسی به سردبیری هاله اسفندیاری، «راهبرد» متعلق به بنیاد ملی برای دموکراسی به سردبیری منوچهر محمدی، «واشنگتن پریم» متعلق به مؤسسه امنیت جهانی، «ردیاب ایران» متعلق به مؤسسه امریکن اینترپرایز و به سردبیری امیرعباس فخرآور، «ابتکار امنیتی ایران» متعلق به مؤسسه سیاست خاور نزدیک واشنگتن و به سردبیری مهدی خلجی و «چراغ آزادی» متعلق به مؤسسه کیتو می‌شدند. این مؤسسات همراه جریان داخلی فتنه قرار بود تغییراتی بنیادین در ایران رقم بزنند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی یک هفته پس از شروع فتنه، در خطبه‌های نماز جمعه ضمن افشای طرح مشترک غرب و فتنه‌گران داخلی، چرایی شکست این طرح را بیان کردند: «خیال کردند ایران هم گرجستان است. یک سرمایه‌دار صهیونیست آمریکایی- جورج سروس- چند سال قبل از این، طبق ادعای خودش که در رسانه‌ها نقل شد، گفت من ۱۰ میلیون دلار خرج کردم و در گرجستان انقلاب مخملی راه انداختم، حکومتی را بردم، حکومتی را آوردم. احمق‌ها خیال کردند جمهوری اسلامی ایران و این ملت عظیم هم مثل آنجاست! ایران را با کجا مقایسه می‌کنید؟ مشکل دشمنان ما این است که هنوز هم ملت ایران را نشناخته‌اند.»

جالب این است که هم فتنه‌گران داخلی و هم دولت‌های غربی از حداکثر فشار برای ایجاد تغییر در ایران استفاده کردند. فتنه‌گران داخلی با اصرار بر ابطال انتخابات و به خیابان کشاندن مخالفان و هواداران خود و تخریب و به آتش کشیدن مساجد و کشتن ده‌ها شهروند بی‌گناه کشور جلو آمدند و دولت آمریکا ضمن کنار گذاشتن تمام قواعد حقوقی ناظر بر مواجهه با یک کشور مستقل، نیروهای نظامی خود را برای دخالت نظامی در ایران- در صورت ناتوانی حکومت در مهار شورش‌های انتخاباتی- به حال آماده‌باش درآورد و به سمت مرزهای شرقی عراق - مرزهای غربی ایران- گسیل کرد.



ج) گام آغازین دعوت به شورش

شورش‌های خیابانی و درگیری خونین علیه نظام ابتدا در بیانیه‌ها و کنفرانس‌های خبری بروز پیدا کرد و سپس به کف خیابان‌ها کشیده شد.

د) پروژه تقلب برای واژگونی نظام

پروژه تقلب برای اثرگذاری بر انتخابات نبود، بلکه از اساس برای تغییر بنیادی نظام دنبال شد. بعدها که عناصر میانی فتنه بازداشت شدند، مصطفی تاجزاده ضمن اعتراف به اینکه در انتخابات تقلب عمده‌ای که نتیجه را دگرگون کند، رخ نداده است، فاش کرد که بحث تقلب همه ماجرا نبوده است. او در پاسخ به این سؤال که با ابطال انتخابات هم بار دیگر در انتخابات کاندیدای آنها شکست می‌خورد پس فایده این طرح چه بود؟ گفت: «اگر نظام ابطال انتخابات را می‌پذیرفت، آنگاه ما بحث عدم صلاحیت شورای نگهبان و وزارت کشور و به طور کلی نهادهای نظام را برای برگزاری مجدد انتخابات دنبال می‌کردیم و نظام را وادار به سازوکار دیگری که لازمه آن تعویق یک‌ساله انتخابات بود، می‌کردیم. در این یک سال طبعاً نهادهای نظام به خصوص دولت به تعلیق درمی‌آمد و اوضاع از کنترل نظام خارج می‌شد. آنگاه در این یک سال ما زمینه تغییرات اساسی را در نظام فراهم می‌کردیم.»

موضوع دیگر این بود که فضای روانی ایجادشده می‌توانست به پیروزی میرحسین موسوی منجر شود. اسناد و خبرهای موثق بیانگر آن است که میرحسین موسوی و جریان فتنه حامی وی در نظر داشتند بلافاصله پس از پیروزی، اعلامیه‌ای صادر و فهرستی از تغییرات اساسی را منتشر کنند و از هواداران خود بخواهند تا تحقق آن خیابان‌ها را ترک نکنند. در صدر این فهرست، تغییر قانون اساسی و حذف ولایت فقیه قرار داشت؛ چنان که جریان فتنه بعد از شکست در انتخابات هم همه فشار خود را روی رهبری نظام متمرکز کرد.

ه) خطاهای استراتژیک

جریان خارجی و داخلی فتنه با توهم موفقیت، هرچه در درون داشت بروز داد. در واقع در فتنه ۸۸ همه دارایی جریان به صحنه آمد، زیرا آنان تردیدی در پیروزی خود بر انقلاب نداشتند. در داخل، جریان فتنه از مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام(ره)

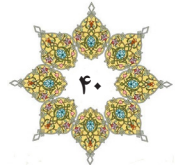


تا سازمان تروریستی منافقین که هزاران نفر از یاران و پیروان حضرت امام را به شهادت رسانده بود، امتداد داشت و در خارج، رژیم‌های عربستان سعودی تا آمریکا را دربرمی‌گرفت. همه شخصیت‌های این جریان به میدان آمدند و یکجا شکست خوردند و امروزه با یک بحران فراگیر مواجه شده‌اند. چهره‌های تئوریسین پشت پرده‌ای نظیر کیان تاج‌بخش، حسین قاضیان، بهزاد نبوی و عزت‌الله سحابی و عناصر جاسوسی نظیر الهه اسفندیاری و سیامک پورزند به میدان آمدند. سفارتخانه‌های خارجی نقاب از چهره برداشتند و فعالیت‌های خلاف شئون دیپلماتیک را به نمایش گذاشتند. شکست این فعالیت‌ها خساراتی به فتنه‌گران زد که تا ۱۰ سال آینده هم ترمیم نخواهد شد. میرحسین موسوی، سید محمد خاتمی و ... برای روز مبدا خود را از صحنه‌های تند دور نگه می‌داشتند، اما در فتنه به میدان فرستاده شدند. این گروه سال‌ها روی قم و شخصیت‌های روحانی سایر شهرهای ایران کار کرده و توانسته بودند بخشی از روحانیت را به خود جلب کنند، اما فتنه ۸۸ این همه سرمایه روحانی را از آنها جدا کرد. آنان بعد از فتنه، بارها تلاش کردند بار دیگر از سوی مردم و نظام به عنوان «خودی» پذیرفته شوند، اما نتوانستند و امروز جرأت حضور در مجامع آزاد را ندارند.

این فتنه چگونه مهار شد؟

فتنه ۸۸ بی‌تردید بزرگ‌ترین فتنه‌ای بود که در طول ۳۲ سال اخیر روی داد. رهبر معظم انقلاب در جریان فتنه اخیر در حالی که بعضی از نهادهای مسئول کشور دچار مسمومیت و انتقال شده بودند، وارد میدان شدند و با درایت فوق‌العاده مسائل را به خوبی مدیریت کردند. اولین اقدام رهبری فراخواندن میرحسین موسوی بود. امام خامنه‌ای در دیدار روز شنبه ۲۳ خرداد با موسوی به او یادآور شدند که جنس او آشوب‌طلبی نیست و باید شکایت‌های خود را در چارچوب قانون پیگیری کند و سپس فرمودند که اگر تقلب به گونه‌ای که در نتیجه تأثیر داشته باشد، اتفاق افتاده است، مانعی برای انحلال انتخابات وجود ندارد و رهبر خود آن را محقق می‌گرداند.

پس از آن ماجرا استمرار پیدا کرد. رهبری یک هفته به رایزنی‌های خصوصی با افراد پرداختند و سپس روز جمعه ۲۷ خرداد یک هفته پس از انتخابات ابعاد توطئه‌ای را که علیه کشور طراحی شده بود، با صراحت برای مردم توضیح دادند و با قاطعیت فرمودند که عدم پذیرش قانون و تأکید غیرمنطقی بر ابطال آرای مردم اتخاذ دیکتاتوری است و رهبری زیر بار چنین چیزی نمی‌رود.



تدبیر سوم رهبری دستور تمدید یک هفته‌ای دوره رسیدگی به شکایات بود و در عین حال هیئتی مرکب از آقایان محمدحسن رحیمیان، غلامعلی حداد عادل و علی‌اکبر ولایتی مأمور بازشماری تصادفی ۱۰ درصد از صندوق‌ها شدند.

تدبیر چهارم رهبری برگزاری جلسه با اعضای ستادهای انتخاباتی چهار کاندیدا بود که در یک زمان نیم‌روزه توأم با شنیدن نظرات مخالفین انجام شد.

اقدام پنجم رهبری روشنگری بود. حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) به مناسبت‌های مختلف ابعاد توطئه را افشا کردند و در هر سخنرانی سران فتنه را مورد ملامت قرار دادند. اما در طول این دوران، رهبری به نهادهای نظام اتکا و اعتماد داشتند و از این رو نه هیئتی تغییر کرد، نه دستور ویژه‌ای دادند، نه کسی را عزل کردند و نه نصب جدیدی داشتند. این موضوع به چند دلیل صورت گرفت: تأسیس هیئت جدید برای مهار فتنه در واقع ثابت‌کننده عدم کفایت نهادهای مسئول بود و این همان خطی بود که فتنه‌گران با محوریت تاج‌زاده آن را از آذر ۸۷ تا یک سال پس از آغاز فتنه دنبال می‌کردند. عزل و نصب‌ها هم می‌توانست از بی‌ثباتی و خارج شدن کنترل کشور از دست رهبری حکایت کند و به دشمنان خارجی در اعمال فشار جرأت دهد و آنها را امیدوار کند. رهبری حتی عضویت عناصر فتنه در نهادهای حساس نظام نظیر مجمع تشخیص مصلحت، شورای عالی انقلاب فرهنگی و ... را لغو نکردند؛ چون اخراج این افراد از این نهادها می‌توانست به داعیه نبود آزادی انتقاد در ایران که پروژه مشترک غرب و فتنه‌گران بوده است، کمک کند. نظام در مواجهه با فتنه تحت هیچ شرایطی از نیروی انتظامی، ارتش یا سپاه استفاده نکرد و حتی نیروهای بسیج را هم به میدان نیاورد. کنترل فتنه‌گران به عهده نیروی انتظامی بود. چنین اقدامی این پیام را برای خارج و داخل داشت که شرایط در ایران بحرانی نیست و خود این مسئله نشان داد که نظام حتی می‌تواند فتنه‌هایی با ابعاد بزرگ‌تر را مهار کند. رهبری و نظام در طول مدت فتنه کمترین امتیازی به فتنه‌گران ندادند. نظام، رهبران اصلی فتنه را بازداشت نکرد و برای جرایم آنان محکمه‌ای برپا نکرد بلکه محاکمه آنان را وجدانی نمود. این مسئله سران فتنه را خوار کرد و سبب به فراموشی سپرده شدن آنان در اذهان اجتماعی شد. دستگیری موسوی، کروبی، خاتمی، سیدحسن خمینی و ... می‌توانست چهره ایران را به عنوان نظامی که قدرت تحمل مخالفان را ندارد و از سوی آنان احساس تهدید می‌کند، مخدوش کند. با این حال نظام با دستگیری عناصر میانی (که واسطه بین سران و بدنه اجتماعی بودند) ارتباط سران فتنه با بدنه اجتماعی



را از هم‌گسیخت؛ از این رو امثال موسوی و کروب‌ی به‌رغم آزاد بودن نتوانستند با بدنه اجتماعی تماس برقرار کنند.

رهبری در این فتنه با تشکیل ندادن کمیته ویژه و عزل و نصب نکردن مسئولان کشور، اعتماد خود را به مسئولان و کارامدی آنان و دستگاه‌های تحت امرشان نشان دادند و خوشبختانه آنان نیز به نوعی به حسن اعتماد رهبری پاسخ مناسبی دادند. این موضوع بدان علت اهمیت داشت که یکی از راهبردهای فتنه ناکارآمد نشان دادن نظام و مسئولان آن بود. رهبری در حالی که در فتنه در نوک حمله فتنه‌گران قرار داشتند و بسیار مظلوم بودند، جز در یک مورد- انتهای خطبه‌های نماز جمعه ۲۹ خرداد- این مظلومیت را بروز ندادند و با اعتماد به خدای متعال همه بار نجات انقلاب و مردم از فتنه را بر دوش کشیدند که توانمندی فراوان رهبری را در مدیریت جامعه به اثبات رساند. رهبر در طول دوره فتنه و به طور کلی در طول ۲۳ سال رهبری کشور، هیچ‌گاه از خود حرفی نزدند و نقش برجسته خود را در مدیریت کشور به رخ نکشیدند، در حالی که ده‌ها و صدها بار از نقش مردم در ۹ دی تجلیل کردند و آن را باطل‌السحر فتنه نامیدند؛ حال آنکه خود پیش از امت، موسی‌وار فتنه‌ساحران فرعون‌ی را باطل کرده بودند. در طول دوران فتنه، رهبری مراقب بودند که کارهای جاری کشور تعطیل نشود یا با تأخیر مواجه نگردد؛ از این رو تحلیف و تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری و تشکیل کابینه جدید در وقت خود و با صلابت تمام انجام شد. این مسئله به خوبی نشان داد که فتنه بزرگ ۸۸ هیچ خللی در نظام پدید نیاورده است.

بعد از فتنه ۸۸، فتنه کوچک‌تری هم با محوریت جریان انحرافی پدید آمد و در این میان بسیاری از متدینین نگران شدند؛ چون بیم آن می‌رفت که دولت دوم احمدی‌نژاد نتواند دوره ۴ ساله را به پایان برساند که اگر این اتفاق می‌افتاد، از یک سو داعیه شیطان‌ی فتنه‌گران مبنی بر بطلان انتخابات به نوعی اثبات می‌شد و از سوی دیگر، نظام با خلأ و اخلال مواجه می‌گردید. از این رو به‌رغم جفایی که جریان انحرافی به رهبری کرده بود، رهبر معظم انقلاب روی حفظ و تقویت دولت تأکید کردند و مسائل این جریان را موضوعی «فرعی» و «دست دوم» خواندند. این موضع هم دولت را حفظ کرد، هم فتنه‌گران را ناکام گذاشت و هم تا حد زیادی به مهار جریان انحرافی انجامید.



نگاهی کوتاه به رسانه فراملی در فتنه سبز در سال ۱۳۸۸

۱. القای ناکارآمدی نظام

مقامات و رسانه‌های غرب به منظور ایجاد دلسردی در مردم برای جلوگیری از حضور آنها در پای صندوق‌های رأی در این دوره از انتخابات درصدد استفاده جدی از شیوه‌ها و ابزارهای عملیات روانی برآمدند. در این ارتباط مقامات و رسانه‌های غربی به افکار عمومی القای کردند که: ۱. جمهوری اسلامی ایران فاقد مشروعیت مردمی است و این حکومت اساساً در پی برآوردن امیال و خواسته‌های مردم خویش نیست. ۲. مسئولان ایرانی فاقد مهارت و توانایی کافی برای اداره کشورند. آنان در اداره کشور از روش‌هایی بهره می‌برند که فاقد کارایی و اثربخشی است. ۳. مسئولان کشوری بیش از آنکه در پی تحقق خواسته‌های مردم و گشودن گره از مشکلات مردم باشند، درگیر تنش، چالش و کشمکش با یکدیگرند. رادیو فردا ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۸ در این باره گفت: «هر گروه از مسئولان حکومت اسلامی می‌کوشد تا به هر قیمتی خود را در قدرت نگه دارد؛ به همین علت آنان گاهی چنان با یکدیگر در چالش‌اند که مردم را فراموش می‌کنند.»

۲. افزایش انتظارات مردم

نظریه‌پردازان اجتماعی و رهبران سیاسی و رسانه‌های غربی به خوبی بر این نکته واقف‌اند که یکی از مؤثرترین راه‌های ایجاد شکاف بین مردم و حکومت‌ها، بالا بردن سطح انتظارات مردم از حکومت است به حدی که حکومت نتواند در کوتاه‌مدت از پس آن برآید. افزایش انتظارات موجب افزایش نارضایتی سیاسی و اجتماعی می‌شود و زمینه را برای بروز جرقه انقلاب‌های رنگی فراهم می‌آورد. در چارچوب چنین مبانی تئوریک، دستگاه تبلیغاتی غرب همواره تلاش دارد بر شکاف بین انتظارات مردم و توان بالقوه و بالفعل دولت اسلامی در برآوردن آن انتظارات بیفزاید. برای نمونه، روزنامه انگلیسی گاردین ۹ خرداد ۱۳۸۸ در نوشتاری با اشاره به نقش جوانان در انتخابات ریاست‌جمهوری می‌گوید: «هیچ‌کدام از نامزدها نمی‌توانند به نقش جوانان در این انتخابات بی‌توجه باشند، زیرا پیروزی در این انتخابات بدون شک نیاز به حمایت این قشر دارد.» گاردین همچنین با تنزل دادن خواسته‌های جوانان ایرانی مدعی شده است که آنها خواستار فضای باز اجتماعی و آزادی پوشش و دستیابی آزادانه به محصولاتمانند فیلم و موزیک هستند.



خبرگزاری فرانسه هم به موضوع حساس زنان در ایران پرداخت و اقدام به بزرگ‌نمایی نادیده گرفتن حقوق زنان در ایران کرد.

۳. شبهه‌افکنی در سلامت انتخابات

به طور کلی، یکی از اهدافی که غربی‌ها همواره در قبال انتخابات ایران دنبال کرده و می‌کنند، القای ناسالم بودن انتخابات در ایران است. بنابراین همواره تلاش داشته‌اند با اظهار نظرهای مغرضانه این موضوع را به حامیان نامزدهای بازنده القا کنند و آنها را به تقابل با نظام و فرایند قانونی انتخابات سوق دهند. رسانه‌های غربی این شبهه‌افکنی را داشتند که چون وزارت کشور در ایران از یک سو بخشی از بدنه دولت و از طرف دیگر مسئول برگزاری انتخابات است، شاید در انتخابات ریاست‌جمهوری حالت بی‌طرفانه خود را کنار بگذارد و در آن دخل و تصرف کند.

۴. سناریوهایی که بعد از انتخابات به اجرا در آمد

از نخستین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی، تشکیک در انتخابات یکی از حربه‌های اصلی در رسانه‌های غربی برای دلسرد کردن مردم از حضور در انتخابات بود. در انتخابات دوره دهم ریاست‌جمهوری هم این حربه با شدت بسیاری به کار گرفته شد؛ به ویژه پس از زمینه‌سازی‌های پیش از انتخابات و القای تقلب در آن، بستر برای ایجاد طغیان میان طرفداران کاندیدای شکست‌خورده فراهم آمد. بی‌بی‌سی روز ۳۰ خرداد با ارجاع به اظهارات برخی شخصیت‌ها و نامزدها و به استناد صحبت‌های برخی شخصیت‌های خارج از کشور بیان کرد: «کسانی که در این انتخابات شرکت کرده‌اند، از نزدیک شاهد تقلب نمایندگان نامزدها یا برخی مجریان انتخاباتی بوده‌اند که می‌توان از این سخنان نتیجه گرفت که بر خلاف گفته مقامات برگزارکننده انتخابات که هرگونه تقلب را رد و این انتخابات را یکی از سالم‌ترین انتخابات بیان کرده‌اند، شاهد تخلفاتی بوده‌ایم و به همین علت این انتخابات نمی‌تواند سالم باشد.»

۵. بروز شکاف در نظام جمهوری اسلامی

تاکتیکی که مقامات غربی در این مرحله از توطئه براندازی به صورت جدی در برخورد با جمهوری اسلامی به خدمت گرفتند، سوءاستفاده از فضای پیش‌آمده میان نامزدهای انتخاباتی و آشوب‌های ایجادشده به منظور القا و دامن زدن به وجود تفرقه،



دودستگی و واگرایی بین نیروهای سیاسی درون حاکمیت بود. در این ارتباط، روزنامه واشنگتن پست ۳ تیر ۱۳۸۸ در گزارشی نوشت: «نامزدهای بازنده در عرصه انتخابات به شدت به اعلام نتایج شکایت دارند و هر یک دیگری را به گونه‌ای متهم به تقلب می‌کنند. اگر این وضعیت ادامه یابد و با حمایت طرفداران یا روحانیونی که به طریقی موضع‌گیری کرده‌اند، همراه باشد، نظام جمهوری اسلامی در داخل شاهد دودستگی خواهد شد.»

۶. تحریک حامیان کاندیداهای شکست‌خورده

بر اساس نظریه‌های شورش‌های اجتماعی، وقتی بستر نارضایتی و بی‌اعتمادی اجتماعی و سیاسی فراهم آمد، نوبت زدن جرقه آشوب و انقلاب می‌رسد. مقامات و رسانه‌های غربی این نظریه شورش‌های اجتماعی را از طریق بسترسازی‌های اولیه و سپس تحریک مردم و طرفداران نامزد شکست‌خورده به اجرا گذاشتند. برای مثال مقامات کاخ سفید اعلام کردند: «چگونه خوشحال نباشیم از اینکه موجی تازه در ایران بر پا شده که مصمم است طومار حکومت اسلامی را در هم پیچد و حکومتی نظیر حکومت ایران در دوران شاه و عربستان سعودی روی کار آورد.» وزیر خارجه انگلیس نیز به بُعد دیگر موضوع پرداخت و گفت: «دولت ما از نزدیک به پیگیری حوادث در ایران ادامه می‌دهد. گزارش‌ها درباره مرگ ۱۰ نفر دیگر از تظاهرکنندگان به سطح نگرانی‌ها در میان ایرانیان و سراسر دنیا می‌افزاید.»

۷. اتهام نقض حقوق بشر در ایران

کشورهای غربی به ویژه آمریکا، مدعی وضع قواعدی در جهت رعایت حیثیت انسانی و حقوق طبیعی بشریت هستند، در حالی که در وضع این قواعد، بدون توجه به ارزش‌های حاکم بر سایر جوامع، تنها ارزش‌های جوامع غربی به عنوان استاندارد قواعد حقوق بشر از سوی آنها مورد توجه قرار گرفته است. با وجود این، غربی‌ها اصرار دارند که همه ملل و جوامع قواعد مذکور را بپذیرند و در صورت عدم مطابقت رفتار دولت‌ها بر اساس این قواعد، آن کشورها را ناقض حقوق بشر می‌دانند (سلیمی‌نمین، ۱۳۸۳: ۳۴). برای نمونه، رئیس‌جمهوری آمریکا در ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ اعلام کرد: «دولت ایران باید بداند که جهان نظاره‌گر است. ما بر تک‌تک افراد بی‌گناهی که جان خود را از دست داده‌اند، می‌گرییم. حقوق جهانی برای تجمع و آزادی بیان باید مورد احترام



قرار گیرد و آمریکا در کنار تمامی کسانی که در پی استفاده از این حقوق هستند، می‌ایستد.»

ریشه این اختلاف برداشت و طرز تلقی مختلف در این نکته ظریف نهفته است که مبانی فلسفی و عقیدتی بسیاری از اصولی که از سوی آمریکا و کشورهای غربی به نام حقوق بشر مطرح می‌شود، با برخی اصول حقوق بشر از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای اسلامی که برگرفته از فرهنگ و معارف اسلامی است، متفاوت است.

۹. نظام اسلامی و مدیریت سناریوی فتنه غرب

پس از اشاره به برخی سناریوهای دشمن برای بسترسازی فتنه ۸۸، در اینجا نوع راهبردی را که ایران اسلامی در قبال این سناریو اتخاذ کرد و موجب خنثی شدن همه آن سناریوها شد، مرور می‌کنیم:

۱۰. برخورد هوشمندانه با آشوبگران

با وجود تبلیغات منفی رسانه‌های غربی علیه مسئولان امنیتی ایران در انظار افکار عمومی، دستگاه قضایی کشور با درایت سعی در حفظ آرامش و برقراری امنیت میان مردم و در حین حال برخورد با اراذل و اوباش داشت. از سوی دیگر، پس از آنکه مسئولان امنیتی و سیاسی کشورمان، اسناد و تصاویر جدید مربوط به پشت صحنه آشوب‌های اخیر را منتشر کردند، نهادها و شخصیت‌های مختلف ضمن دعوت مردم به هوشیاری در برابر توطئه معاندان نظام اسلامی خواستار برخورد جدی با مجریان و آمران این آشوب‌ها شدند. در این باره حجت‌الاسلام ابراهیم رئیسی، معاون اول قوه قضائیه، با بیان اینکه یک دادگاه ویژه در حال رسیدگی به پرونده اغتشاشگران خیابانی است، تأکید کرد: با دستگیرشدگان حوادث اخیر برخورد عبرت‌آموزی خواهد شد. رئیسی افزود: این اغتشاشات حتماً باید مورد پیگیری دقیق قرار گیرد و با عوامل اغتشاشگر باید به صورت عبرت‌آموزی برخورد شود و دستگاه قضایی هم این کار را انجام خواهد داد. سردار احمدی مقدم، فرمانده ناجا، هم با اشاره به عملکرد هوشمندانه نیروی انتظامی در انتخابات ریاست‌جمهوری دهم افزود: «عده‌ای تلاش کردند با لشکرکشی‌های خیابانی نقش قربانی و مظلوم را بازی و احساسات مردم را تحریک کنند اما نیروی انتظامی با چنین موضوعاتی هوشمندانه برخورد کرد.»



جنگ نرم رسانه‌ای و اصل ممنوعیت مداخله در امور داخلی کشورها

پس از اینکه جایگاه رسانه‌های فراملی را شناختیم و دریافتیم که رسانه‌های مذکور قادرند به عنوان ابزار جنگی بسیار قدرتمند در کنار سایر ادوات جنگی قرار گیرند و جنگ نرمی را بدون تخریب فیزیکی انجام دهند، باید بگوییم اگر رسانه‌های فراملی به تشویش اذهان عمومی و جنگ روانی در کشور هدف مبادرت ورزند، عملکرد آنها مصداق بارز مداخله در امور داخلی کشورهاست و اصل عدم مداخله در این موضوع کاربرد دارد. بنابراین تبیین عدم مداخله در امور داخلی کشورها ضروری می‌نماید. در ارتباط با تعریف «مداخله» اختلافاتی ابراز شده، تا حدی که بعضی از حقوق‌دانان ادعا کرده‌اند در حقوق بین‌الملل، مداخله هیچ‌گاه معنای واحدی نداشته است: «از طرفی، مداخله به معنای حق هر یک از دولت‌ها برای حمایت از اتباع و اموال‌شان در خارج از مرزهای ملی به کار رفته و از طرف دیگر، دربرگیرنده عملیات قاهرانه یک یا چند دولت بوده که با اعمال فشار دیپلماتیک یا استفاده از زور و تهدید قصد داشته‌اند نظر خود را در مسئله‌ای که در قلمرو صلاحیت ملی و حاکمیت دولت دیگری قرار گرفته است، به آن دولت تحمیل کنند» (راعی، ۱۳۸۲: ۵۹).

پس از اینکه زمینه مداخله رسانه‌های فراملی در امور داخلی کشورها فراهم شد، ابعاد مفهوم مداخله گسترش یافت و تنها به مداخله برای حمایت از اتباع و اموال دولت‌ها و همچنین مداخله قهری و نظامی اطلاق نشد. مداخله در امور داخلی کشورها توسط رسانه‌های فراملی (همان‌طور که تبیین شد) کاملاً بدون خشونت و آرام است و اساساً در تضاد با عملیات قاهرانه و نظامی است که با فشار و زور بر کشورها تحمیل می‌شود. مسئله مهمی که در این خصوص مطرح می‌شود مشروعیت مداخله توسط رسانه‌های فراملی است. به عبارت دیگر رسانه‌های فراملی باید برای مداخله خود توجیهی مطابق حقوق بین‌الملل داشته باشند. از این رو در این اینجا اسناد سازمان ملل متحد و واقعیت‌های جامعه بین‌المللی در ارتباط با مداخله در امور داخلی کشورها را تبیین می‌کنیم.

مداخله رسانه‌های فراملی در امور داخلی کشورها

یکی از قواعد کلی و مسلم حقوق بین‌الملل که در منشور سازمان ملل متحد بدان اشاره شد، احترام به حاکمیت کشورها و عدم نقض آن توسط سایر دولت‌هاست. دخالت در امور داخلی یک کشور نه تنها اهانت به مردم و دولت آن کشور به حساب



می‌آید، اصولاً روابط بین‌المللی را نیز به هم می‌ریزد و صلح جهانی را به خطر می‌اندازد و حتی منافی حقوق اساسی کشورهاست که از جانب همه نهادهای بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و حقیقتاً ناقض حق حاکمیت دولت‌هاست.

حاکمیت نوین و شرایط اعمال آن

حاکمیت ملی همچون مانعی بزرگ در برابر توسعه حقوق بین‌الملل انگاشته می‌شود؛ بنابراین در کنش متقابل بین حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل یا باید حاکمیت کنار گذاشته شود یا باید به گونه‌ای هماهنگ با تحول، هر دو نظام دگرگون شوند. آموزه نوین حاکمیت مردم، به جای پادشاه «مردم» را سرچشمه قدرت مطلق می‌داند؛ ولی این جابه‌جایی قدرت ناگزیر بدان معنا نیست که فرد فرد شهروندان در جلوگیری از تجاوزات دولت‌هایی که در حال گسترش امور اجرایی خویش‌اند توان‌تر می‌شوند (کلمبیس، ۱۳۷۴: ۲۴). طرح مفهوم نو حاکمیت، که حاکمیت را یک ویژگی و خصیصه ضروری دولت‌های تشکیل‌دهنده نظام بین‌الملل تلقی می‌کند، می‌تواند واقع‌بینانه‌تر باشد. در این برداشت، تمرکز و تأکید بر مقررات منشور ملل متحد به عنوان قانون اساسی جهانی است. منشور ملل متحد، حاکمیت مساوی دولت‌های عضو را مورد شناسایی قرار می‌دهد و بر آن تأکید می‌کند و آن را به این اندیشه پیوند می‌زند که نظم حقوقی و سیاسی بین‌المللی منوط به ثبات دولت‌ها و توانایی‌هایشان برای اقدام مؤثر است (Cohen, 2008: 596). منشور ملل متحد به صراحت بیانگر آن است که احترام به تمامیت ارضی مبنای اساسی و ضروری روابط بین‌الملل است. در این راستا کلسن^۱ و وردرس^۲ از پایه‌گذاران مکتب هنجارگرایی، معتقدند دولت ملی تابع موازین زیر است:

۱. قواعد بین‌المللی که خود به رضا و رغبت پذیرفته است (قراردادها).
 ۲. برخی قواعد بین‌المللی که ناشی از فرایند ارادی نیست (عرف بین‌المللی، اصول کلی حقوقی).
 ۳. تصمیم‌های پاره‌ای از سازمان‌های بین‌المللی که در اساس، صلاحیت اخذ چنین تصمیم‌هایی را داشته و دولت‌ها به قراردادهای پایه‌ای آن پیوسته باشند.
- شرایط اساسی دیگری نیز برای اعمال حاکمیت پدید آمده است. اهمیت این

1 . Kelsen

2 . Verdros



شرایط چنان است که تعهدات بین‌المللی دولت‌ها نیز نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد و از همین رو نمایندگان مردمان و نهادهای نگهبان قانون اساسی در پاسداری از این شرایط اساسی می‌کوشند.

- نخستین شرط اعمال حاکمیت ملی تضمین اعتبار نهادهای حکومتی است که حفظ مرزهای سرزمینی و سایر صلاحیت‌های مربوط بدان در این حوزه گرد هم می‌آیند.

- دومین شرط «استمرار زندگی مردمان» است. این شرط تازه‌ای است که اعمال حاکمیت باید همراه استمرار زندگی دلخواه برای مردمانی باشد که حکومت بر آنها فرمان می‌راند. پس حکومت نمی‌تواند برای حفظ یا افزایش قدرت خویش تصمیمی بگیرد که زندگی دلخواه مردمان خویش را آشفته سازد.

انقلاب ارتباطات یا انفجار اطلاعات

با پیدایش تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، نظام‌های خودکامه بی‌کفایت می‌شوند و دولت‌ها مجبور به شفاف‌سازی تصمیم‌گیری هستند. محققان بر این باورند که بعد از انقلاب صنعتی، که سه قرن بر جهان حاکم بود، در ربع آخر قرن بیستم انقلاب مهم دیگری رخ داد و آن «انقلاب تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات» بود. این انقلاب، نظم جدیدی را پدید خواهد آورد. ما اکنون به عنوان جزیی از نظام جهانی، در معرض این انقلابیم، زیرا نمی‌توان تصور کرد تغییراتی درون واحدهای نظام بین‌المللی موجب تغییر در ساختار واحدهای ملی نشود (Kumar, 2010: 158). در حقیقت، «ارتباطات» و ابزار آن، یعنی «تکنولوژی‌های اطلاعاتی»، به عنوان مدار هستی جامعه امروز بشری موجب شکل‌گیری فرایندها و تحولاتی می‌شوند که به دگرگونی در تمدن می‌انجامد. رسانه‌های الکترونیکی و شبکه‌های ارتباطی نوین که شامل شبکه‌های ماهواره‌ای، ارتباطات از راه دور و اینترنت می‌شود از طریق رادیو، تلویزیون، عکس، فیلم و ... در تمام دنیا در دسترس قرار دارند. رسانه‌ها و ارتباطات امر جهانی شدن را تسریع می‌کنند و آنها را می‌توان مهم‌ترین ابزار جهانی شدن ارزش‌ها دانست (طاهر، ۱۳۸۲: ۱۰).



نتیجه‌گیری

رسانه‌های فراملی از مرزهای سیاسی کشورها عبور می‌کنند و هیچ حصر و مرزی برای آنها تصور نمی‌شود و مردم در هر نقطه‌ای از جهان قابلیت دسترسی به آنها را دارند. در خصوص قانونمند کردن فعالیت ماهواره‌ها در حقوق بین‌الملل تلاش‌هایی شد، مانند فعالیت سازمان ملل متحد در این زمینه و ایجاد کمیته کوپیوس برای کمک به قانونمند کردن فعالیت ماهواره‌ها، اما نتیجه مناسبی در یافتن ساختار حقوقی برای ماهواره‌ها حاصل نشد.

در خصوص وضعیت حقوقی اینترنت باید گفت زمانی که اینترنت شروع به فعالیت کرد نیاز به مقررات جهانی برای آن عملاً آشکار شد. یکی از آن تلاش‌ها به تصویب رساندن کنوانسیون جرایم سایبری برای قانونمند کردن فعالیت‌ها در اینترنت است. اما این تلاش‌ها به دلیل پراکنده بودن اساساً به نتیجه مطلوبی ختم نشد. یکی از دلایل مهم حاصل نشدن نتیجه مورد قبول، فقدان قوانین ملی مؤثر در برخورد با جرایم سایبری و جاسوسی اینترنتی بود. از این رو تلاش‌ها و فعالیت‌هایی که در زمینه اینترنت انجام می‌شود مانند مقابله دولت‌ها با هکرها و مسدود کردن سایت‌هایی که تهدیدی علیه امنیت ملی هستند، در اصطلاح باید حقوق نرم قلمداد شود که رعایت آنها الزامی نیست؛ اما این حقوق با تثبیت و پذیرش عمومی به حقوق الزام‌آور تبدیل می‌شوند.

درباره حق آزادی اطلاعات و دسترسی به آن باید گفت این حق به همه از جمله رسانه‌های فراملی امکان گردش آزاد اطلاعات را می‌دهد. از این رو رسانه‌های فراملی می‌توانند به انتشار اطلاعات بپردازند و مردم نیز می‌توانند آن اطلاعات را دریافت کنند. همان‌گونه که گفته شد، حق آزادی اطلاعات در اسناد بین‌المللی حقوق بشری چه به شکل عام و چه به شکل خاص، مورد توجه قرار گرفته است و در حقیقت آزادی اطلاعات از این اسناد استخراج می‌شود و دارای پایگاه و اعتبار حقوقی است. از اسناد عام می‌توان به صورت کلی به منشور ملل متحد، اساسنامه یونسکو و ... و در نهایت میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اشاره کرد. از اسناد منطقه‌ای می‌توان از منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم و ... و در نهایت اعلامیه اسلامی حقوق بشر یاد کرد. به‌رغم جایگاه والای حقوقی حق آزادی بیان و اطلاعات در اسناد بین‌المللی و نقش آنها در شفاف‌سازی حکومت و جامعه اطلاعاتی آزاد، باید افزود که این حقوق جزء حقوق مطلق به شمار نمی‌روند و بعضاً متفاوت هستند. به طور کلی تمام مصادیق



استثنای حق آزادی بیان و اطلاعات مستخرج از اسناد حقوق بشری از این قرار است: حریم خصوصی افراد، حقوق و حیثیت دیگران، اخلاق، نظم عمومی، عدم تبلیغ برای جنگ و در نهایت مهم‌ترین مصداق امنیت ملی که در خصوص مشروعیت اعمال محدودیت‌ها بر آزادی بیان و اطلاعات است.

از بررسی اسناد حقوق بشری و به طور کلی روح کلی حاکم بر این اسناد استنباط می‌شود که اعمال هر نوع محدودیتی برای آزادی بیان پیش از هر چیز باید پس از احراز شرایط سه‌گانه (قانونی بودن محدودیت، تطابق محدودیت با موارد احصاشده در اسناد حقوق بشری و ضروری بودن محدودیت) صورت گیرد. ورود رسانه‌های فراملی به درون مرزهای کشورها نقض حاکمیت آنها را در پی دارد و اساساً رسانه‌های فراملی چالشی جدی برای دولت‌ها ایجاد کرده‌اند. رسانه‌های مذکور با جنگ نرم رسانه‌ای می‌توانند حلقه‌های فکری و فرهنگی کشورها را سست کنند و با بمباران خبری و تبلیغاتی باعث تضعیف امنیت ملی شوند و در نهایت در نظام سیاسی- اجتماعی حاکم تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کنند. رسانه‌های فراملی با به کارگیری اهرم‌های خبری و اطلاعاتی قادر به تغییر باورها و نگرش‌های جمعی یا شکلهی افکار عمومی، ملی و فراملی شده‌اند. خلق بحران و تضعیف دفاع همه‌جانبه برای کشورها توسط رسانه‌های فراملی از چالش‌های دیگر نظام‌های سیاسی کشورهاست. رسانه‌های مذکور افکار عمومی را از حالت تعادل خارج می‌کنند و امنیت ذهنی و به دنبال آن امنیت اجتماعی را بر هم می‌زنند که نتایج وخیمی برای حاکمیت در پی دارد. از این رو دولت‌ها بعضاً درصدد کنترل و محدود کردن رسانه‌های فراملی برمی‌آیند و از آنجا که در حقوق بین‌الملل هیچ توافق‌نامه و معاهده واحدی در ارتباط با نحوه عملکرد رسانه‌های فراملی وجود ندارد که همه دولت‌ها از آن تبعیت کنند، دولت‌ها با توجه به حفظ منافع امنیت ملی خود مجبورند ماهواره و اینترنت را محدود کنند.

در عصر کنونی، رسانه‌های فراملی تأثیر بسزایی در فرسایش و براندازی نرم نظام‌های سیاسی کشورها دارند. مواجه کردن نظام‌های سیاسی کشورها با چالش مشروعیت و مقبولیت در افکار عمومی، مورد تردید قرار دادن کارآمدی آنان، بی‌اعتماد ساختن مردم به مسئولان و رسانه‌های خودی و اختلال در نظام ارتباطی حکومت- ملت گوشه‌ای از تأثیر فوق‌العاده رسانه‌های فراملی در تضعیف و براندازی نرم نظام سیاسی کشورها و تضعیف امنیت ملی و دفاع همه‌جانبه ملت‌هاست. اگر به انقلاب‌های نرم سال‌های اخیر به دقت بنگریم، تأثیر بسیار مهم رسانه‌های فراملی را در انقلاب‌های



مذکور آشکارا مشاهده می‌کنیم. از مجموع انقلاب‌های نرمی که رسانه‌های فراملی در آن نقش بسیار مهمی داشتند می‌توان به چند مورد اشاره کرد: انقلاب‌های رنگی در کشورهای گرجستان (۲۰۰۳)، اوکراین (۲۰۰۴) و فتنه سبز سال ۱۳۸۸ در ایران؛ اما جامع‌ترین نگاه، نگاهی است که حوادث فتنه را فراتر از بداخلاقی انتخاباتی و خواسته‌های اجتماعی و در قالب سناریویی طراحی‌شده با هدف تغییرات سیاسی و حتی براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران تحلیل می‌کند. دیدگاه امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، ذیل این نگاه می‌گنجد. رهبر معظم انقلاب این حوادث را سناریویی از قبل طراحی‌شده دانستند و بر این نکته تصریح و تأکید کردند که جامعه اسلامی با فتنه‌ای عمیق مواجه شده است.

کمک به انقلاب‌های نرم و جنگ بدون خشونت رسانه‌های فراملی مصداق بارز مداخله در امور داخلی و بی‌توجهی به منافع ملی، تضعیف امنیت و دفاع ملی و از بین بردن نظام سیاسی کشورهاست که مطابق بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد ممنوع است. دخالت در امور داخلی یک کشور گذشته از اینکه اهانت به مردم و دولت آن کشور به حساب می‌آید، اصولاً روابط بین‌المللی را نیز به هم می‌ریزد و صلح جهانی را به خطر می‌اندازد و حتی منافی امنیت ملی کشورهاست که از جانب همه نهادهای بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و در حقیقت ناقض حق حاکمیت نظام سیاسی کشورهاست.

در پایان مقاله نتایج درخور توجهی در خصوص فرضیه‌های تحقیق حاصل شد که از این قرار است:

همان‌طور که در طول مقاله بیان شد، در حقوق بین‌الملل قواعد مناسبی در ارتباط با رسانه‌های فراملی وجود ندارد و قواعد و اصولی که در ارتباط با آنهاست اندک، پراکنده و فاقد جنبه الزام‌آوری است و از آنجا که مشروعیت بخشی به فعالیت رسانه‌های فراملی مستلزم وجود قواعد حقوقی است، میتوان در یک تعریف عام از رسانه آنها را در این زمره قرار داد و حق آزادی بیان و اطلاعات را از حقوق مناسب آنها قلمداد کرد. در ضمن محدودیت‌های حق آزادی بیان و اطلاعات جزء تکالیف قطعی رسانه‌های فراملی است و حق ندارند در امور داخلی کشورها به خصوص در براندازی نرم نظام‌های سیاسی و تضعیف امنیت و دفاع ملی کشورها مداخله کنند.

جنگ رسانه‌ای رسانه‌های فراملی مداخله در امور داخلی کشورهاست و نقض اصل عدم مداخله است که در بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد بیان شده است. درست است



که مداخله ممنوع است، ولی رسانه‌های فراملی (در صورت رعایت اصول و استثناهای حق آزادی بیان و اطلاعات و عدم جنگ رسانه‌ای) می‌توانند به موضوعاتی بین‌المللی بپردازند و مشکلی از لحاظ حقوقی بر آنها وارد نخواهد بود. برای مثال انعکاس دادن اخبار کشتار وحشیانه مردم میانمار و نقض حقوق بشر در آنجا توسط رسانه‌های فراملی مشروع است.

در ارتباط با تداخل و تزامم حقوق رسانه‌های فراملی و حق حاکمیت کشورها باید گفت زمانی که مشخص شد رسانه‌های فراملی از حقوق آزادی بیان و اطلاعات برخوردارند و برای فعالیت خود می‌توانند به درون مرزهای سیاسی کشورها وارد شوند و آزادانه (با رعایت اصول حق آزادی بیان و اطلاعات) به فعالیت بپردازند، تداخل و تزامم حقوق رسانه‌های فراملی با حق حاکمیت دولت‌ها نمایان شد؛ زیرا با ورود رسانه‌های فراملی به درون کشورها حتی اگر مداخله‌ای در امور داخلی انجام ندهند حق حاکمیت کشورها نقض می‌شود. بنابراین رسانه‌ها با در نظر گرفتن استثناهای اصول و ضوابط بیان اطلاعات می‌توانند فعالیت کنند.

در خصوص قدرت رسانه‌های فراملی باید گفت هر کدام از رسانه‌های فراملی ماهواره و اینترنت قدرت خاص خود را دارند و در انقلاب‌های نرم ماهواره و اینترنت کاربرد خاصی دارند. برای مثال ماهواره عمدتاً قبل از شروع انقلاب رنگی زمینه انقلاب را با حساس کردن افکار عمومی مهیا می‌کند و در زمان انقلاب رنگی اخبار مربوط را منتشر می‌کند؛ اما کاربرد عمده اینترنت در زمان آغاز انقلاب رنگی و منسجم کردن مردم از طریق ارتباطات اینترنتی است مانند ارتباطات از طریق شبکه‌های اجتماعی. نکته بسیار مهمی که در خصوص ماهواره و اینترنت وجود دارد این است که معمولاً زمانی انقلاب رنگی به سرانجام خواهد رسید که این دو رسانه فراملی توأمان فعالیت کنند و اگر یکی از آنها فعالیتی در خصوص انقلاب نکند، به احتمال بسیار آن رفرم به نتیجه نخواهد رسید.

در انتها و اثبات فرضیه اصلی مقاله حاضر باید گفت همان‌گونه که مشخص شد، رسانه‌های فراملی با ورود به درون کشورها و درنوردیدن مرزهای آنها موجب فرسایش حاکمیت و تضعیف امنیت ملی کشورها می‌شوند و اگر رسانه‌های فراملی به جنگ نرم رسانه‌ای بپردازند، فرسایش نظام و تضعیف امنیت ملی شدت می‌یابد تا جایی که می‌تواند زمینه‌ساز انقلاب رنگی و نابودی نظام سیاسی کشور هدف شود؛ مانند نقش رسانه‌های فراملی در انقلاب‌های رنگی کشورهای اروپای شرقی و آسیای میانه یا نقش



رسانه‌های مذکور در فتنه سبز سال ۱۳۸۸ در ایران و همچنین ماجرای اخیر سوریه که تأثیری انکارناپذیر داشتند. در تأیید قدرت فوق‌العاده زیاد رسانه‌های فراملی در انقلاب‌های نرم باید اظهار کرد همان‌گونه که در مقاله حاضر مشاهده کردیم، پس از ورود رسانه‌های فراملی، زمان انقلاب‌های رنگین و دروغین فوق‌العاده کم شده است و مردم با فریب رسانه‌های مذکور باعث هرج و مرج در کشورشان می‌شوند.

منابع فارسی

الف) کتب

- انصاری، باقر (۱۳۸۷)، آزادی اطلاعات، چ اول، تهران: مؤسسه انتشارات دادگستر، زمستان.
- رنجبران، داود (۱۳۸۹)، جنگ نرم، چ ۸، تهران: ساحل اندیشه تهران.
- ضیایی پرور، حمید (۱۳۸۹)، جنگ نرم (۲) ویژه جنگ رسانه‌ای، چ ۶، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، دی ماه.
- هلیپین، ادوارد اف، استیون هیک و اریک هواسکینز (۱۳۸۶)، حقوق بشر و اینترنت، ترجمه و تحقیق سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو؛ چ اول، تهران: خرسندی.

ب) مقالات

- اداره سیاسی سپاه (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر انتخابات دهم ریاست‌جمهوری و حوادث پس از آن»، تهران.
- بردبار، محمدحسن (۱۳۸۱)، «اصول حقوقی حاکم بر ماهواره‌ها»، مجله کانون وکلا، ش ۱۷۶، بهار.
- حسینی، سیدابراهیم (۱۳۷۹)، «برنامه‌های ماهواره‌ای در ارتباط با اصل حاکمیت دولت‌ها و اصل آزادی اطلاعات»، مجله معرفت، ش ۳۶، مهر و آبان.
- راعی، مسعود (۱۳۸۲)، «دخالت‌های بشردوستانه و حقوق بشر»، مجله معرفت، ش ۷۰، مهر.
- رضایی نژاد، ایرج (۱۳۸۰)، «آزادی بیان در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، وکالت، ش ۸، آذر و دی.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۷۸)، «پخش مستقیم ماهواره‌ای و اقدامات متقابل در حقوق بین‌الملل با تأکید بر ارسال پارازیت»، مجله حقوقی نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ش ۲۴.
- سخنرانی مقام معظم رهبری در روز عید مبعث، ۸۸/۴/۲۹.



- سخنرانی مقام معظم رهبری در نماز جمعه تهران، ۸۸/۳/۲۹.
- سلطانی فر، محمد (بی‌تا)، «رسانه‌ها؛ بحران‌های نوین و جنگ‌های پست‌مدرن»، فصلنامه پژوهش و سنجش، ش ۴۲ و ۴۳.
- شبان فاریابی، معصومه (۱۳۸۷)، «عوامل داخلی و خارجی در شکل‌گیری انقلاب رنگی گرجستان»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۶۳، پاییز.
- صادقی، محسن (۱۳۸۴)، «مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و شبه‌قضایی و جلوه‌های نوین آن»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، ش ۶۸، تابستان.
- عباسی اشلقی، مجید (۱۳۸۱)، «مداخلات بشردوستانه و تجدید حاکمیت ملی»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۷۵ و ۱۷۶، فروردین و اردیبهشت.
- عسگری، حسن (۱۳۸۶)، «نقش بازیگران خارجی در انقلاب‌های رنگی: مورد انقلاب رز گرجستان»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۱۴، دوره ۴، ش ۵۱، پاییز.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷)، «بحران‌شناسی رسانه‌ای: رسانه؛ قدرت نرم قرن ۲۱»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ش ۱۵.
- کریمی والا، محمدرضا (۱۳۸۶)، «نظریه حاکمیت در دیدگاه اسلام»، مجله معرفت، ش ۱۱۵.
- کلمبیس، تئودور (۱۳۷۴)، «حاکمیت و ملت‌گرایی»، ترجمه لیلا سازگار، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۹۹ و ۱۰۰، آذر و دی.
- کوچ نژاد، عباس (۱۳۸۳)، «محدودیت‌های حقوق بشر در اسناد بین‌المللی»، مجله حقوق اساسی، ش ۳، زمستان.
- کولایی، الهه (۱۳۸۴)، «ریشه‌های انقلاب‌های رنگی در جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی شوروی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۱۴، دوره ۴، ش ۵۱، پاییز.
- مرتضوی، محمودرضا (۱۳۸۷)، «جنگ رسانه‌ای در مناقشه روسیه و گرجستان»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۶۳، پاییز.
- معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه (۱۳۸۸)، «گذر از فتنه ۸۸»، تهران.
- مولایی، مهرداد (بی‌تا)، «آزادی بیان و محدودیت‌های آن در دادگاه اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه رسانه، س ۱۰، ش ۲.
- مولائی، آیت (۱۳۷۹)، «حقوق بشر و حاکمیت ملی»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۵۵ و ۱۵۶، مرداد و شهریور.
- نقیب السادات، سیدرضا (۱۳۸۷)، «تهدیدهای رسانه‌ای و مدیریت بحران»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ش ۱۵.
- نمک دوست تهرانی، حسن (۱۳۸۳)، «آزادی اطلاعات و حق دسترسی: بنیان دموکراسی»، مجله مجلس و پژوهش، س ۱۰، ش ۴۲، بهار.



ج) اسناد

- اعلامیه اسلامی حقوق بشر (۱۹۹۰)
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- کنوانسیون حقوق معاهدات، وین (۱۹۶۹)
- منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)

منابع انگلیسی

A) Books

- Amezaga Albizu, Josu (2007), *Geolinguistic Regions and Diasporas in the Age of Satellite Television*, International Communication Gazette.
- Badakhshani, Ofran, *Globalization: The End of State Sovereignty?*, Free University of Amsterdam Faculty of Social Sciences Department of Political Science.
- Cohen, Jean L. (2008), *Rethinking Human Rights, Democracy, and Sovereignty in the Age of Globalization*, Political Theory, Originally Published online May 6, 2008.
- Dean, Jonathan, *Defenses in Space: Treaty Issues*, Union of Concerned Scientists
- Galbi, Douglas A. (2001), *E-Government: Developing State Communications in a Free Media Environment*, Federal Communications Commission, February 11.
- Graham, Lorie M (2010), *A Right to Media?*, Columbia Human Rights Law Review.
- Howison, Phil (2006), *The Decline of the Nation State*, Victoria University, Wellington, New Zealand, October 16.
- Kent, George (2005), *Freedom from Want: The Human Right to Adequate Food*, © by Georgetown University Press.
- Krasner, Stephen D. (2004), *The Hole in the Whole: Sovereignty, Shared Sovereignty, and International Law*, Krasnertype. DOC.
- Lord, Kristin L. (2006), *The Perils and Promise of Global Transparency*, State University of New York Press.
- Osborne, Michael (2005), *Space 2030 Tackling Society's Challenges*,



Organisation for Economic Co-operation and Development © Oecd, February.

- Schrijver, Nioco (2000), *The Changing Nature of State Sovereignty*, © Nico J. Schrijver.

- Selwyn, Neil (2008), *A Safe Haven for Misbehaving?: An Investigation of Online Misbehavior Among University Students*, Social Science Computer Review.

- Stults, Taylor (2001), *Propaganda*, from the World Book Multimedia Encyclopedia.

- Visner, Samuel (2009), *Sovereignty in the Information AGE/ Information Technology's Chalkenges to Global Governance*, World Politics Review.

B) Articles

- Bovet, Christian and Këllezi, Pranvera (2008), «Satellite Industry and the Digital Age», *Global Media and Communication*.

- Brophy, Peter and Halpin, Edward (1999), «Through the Net to Freedom: Information, the Internet and Human Rights», *Journal of Information Science*.

- Cheliotis, Leonidas K. (2010), «The Ambivalent Consequences of Visibility: Crime and Prisons in the Mass Media», *Crime Media Culture*.

- Conway, Maura (2007), «Terrorism and Internet Governance: Core Issues», *Icts and International Security*.

- Cornwell, Derekh and Bryan Roberts (2010), «The 9/11 Terrorist Attack and Overseas Travel to the United States: Initial Impacts and Longer-Run Recovery», *Homeland Security*, March.

- Cottle, Simon and Rai, Mugdha (2006), «Between Display and Deliberation: Analyzing TV News as Communicative Architecture», *Media Culture Society*.

- Karatnycky, Adrian (2005), «Ukraine's Orange Revolution», *Foreign Affairs*, March/April.

- Krasner, Stephen D. (1991), «Global Communications and National Power Life on the Pareto», *Frontier, World Politics*, Vol. 43, No. 3, Apr.



- Kumar, Deepa (2004), «War Propaganda and the (AB) Uses of Women Media Constructions of the Jessica Lynch Story», *Feminist Media Studies*, Vol. 4, No. 3.

- Kumar, Sangeet (2010), «Google Earth and the Nation State: Sovereignty in the Age of New Media», *Global Media and Communication*, 6.

- Kurbalija, Jovan, «Internet Governance and International Law», *Reforming Internet Governance: Perspectives from WGIG*.

- Nguyet Erni, John (2009), «War, 'Incendiary Media' and International Human Rights Law», *Media Culture Society*, 31.

- Okello-Orlale, Rosemary, «The Role of Media in Promoting Access to Information and Serving as a Public Watchdog», *African Woman and Child Feature Service*.

- Price, Monroe E. (2008), «Governance, Globalism and Satellites», *Global Media and Communication*.

- Reynolds, H. P. Merges, Glenn and Robert (1990), «Outer Space: Problems of Law and Policy», *Harvard Journal of Law & Technology*, Vol. 3, Spring Issue.

- Scolari, Carlos Alberto (2009), «Mapping Conversations about New Media: The Theoretical Field of Digital Vommunication», *New Media Society*, 11.

- Segura-serrano, Antonio (2006), «Internet Regulation and the Role of International Law», *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, Vol. 10.

- Sturges, Paul (2000), «The Council of Europe, Freedom of Expression and Public Access to Networked Information», *IFLA Journal*, 26.

- Sturges, Paul (2006), «Limits to Freedom of Expression? Considerations Arising from the Danish Cartoons Affair», *IFLA Journal*, 32.

- Whann, Keith E. and Stockamp, Deanna L. (2002), «Dealership's Compliance with the USA Patriot Act, Its Implementnng Regulations and Other Anti-terrorism Measures», *Whann & Associates*.

C) Documents



- CM, DECLARATION ON THE FREEDOM OF EXPRESSION AND INFORMATION (Adopted by the Committee of Ministers on 29 April 1982, at its 70th Session)

- CM, OF THE COMMITTEE OF MINISTERS TO MEMBER STATES ON THE ACCESS TO INFORMATION HELD BY PUBLIC AUTHORITIES, (Adopted by the Committee of Ministers on 25 November 1981, at the 340th meeting of the Ministers' Deputies)

- CM, Recommendation Rec,16 of the Committee of Ministers to member states on the right of reply in the new media environment (Adopted by the Committee of Ministers on 15 December 2004 at the 909th meeting of the Ministers' Deputies)

- GA, -A/RES/37/92, Principles Governing the Use by States of Artificial Earth Satellites for International Direct Television Broadcasting, 10 December 1982

- GA, A/RES/56/183, World Summit on the Information Society, Fifty-sixth session, 31 January 2002

- HRC, General Comment No. 11: Prohibition of propaganda for war and inciting national, racial or religious hatred (Art. 20): . 07/29/1983. (Nineteenth session, 1983)

D) sites

- COPUOS formal website, visited in 24/5/2011, Available at: www.oosa.unvienna.org/oosa/en/COPUOS/members

- COPUOS formal website, visited in: 16/6/2011 , Available at: http://www.unoosa.org/oosa/en/COPUOS/cop_overview.html/

- COPUOS formal website, visited in: 16/6/2011 , Available at: <http://www.unoosa.org/oosa/en/COPUOS/copuos.html>

- visited in: 23/5/2011, Available at: <http://www.spacescience.ir/ShowPost.aspx?Post=0000159>

- visited in: 25/6/2011 , Available at: http://www.media-anthropology.net/discussion_ma_definition.pdf

